

بررسی ابعاد مشارکت در آموزش و پرورش (۳): تجربه انجمن اولیا و مربیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۱۲/۲۰

شماره مسلسل: ۱۹۶۷۳
کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:
بررسی ابعاد مشارکت در آموزش و پرورش (۳):
تجربه انجمن اولیا و مربیان

نوع گزارش: طرح و لایحه ، نظارتی ، راهبردی

نام دفتر:
مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه آموزش و پرورش و فنی و حرفه‌ای)

تهیه و تدوین کنندگان:
علی قربانی، محمد محمدشیرازی، سیدامیر هاشمی‌نژاد

همکاران:
زهرا شهنیایی، علی براتی

ناظر علمی:
موسی بیات

مدیر مطالعه:
محمدصادق عبدالهی

گرافیک و صفحه آرایی:
سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:
زهرا عطاردی

تاریخ شروع مطالعه:
۱۴۰۲/۴/۱

واژه‌های کلیدی:

۱. آموزش و پرورش
۲. مدارس دولتی
۳. مشارکت
۴. انجمن اولیا و مربیان
۵. شوراهای انجمن اولیا و مربیان
۶. انجمن مرکزی اولیا و مربیان ایران



فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۶ | چکیده |
| ۷ | خلاصه مدیریتی |
| ۹ | ۱. مقدمه |
| ۱۰ | ۲. تاریخچه و آیین نامه انجمن های اولیا و مربیان |
| ۱۰ | ۲-۱. تاریخچه کوتاه انجمن |
| ۱۱ | ۲-۲. شرح وظایف و نحوه فعالیت انجمن اولیا و مربیان در مدرسه |
| ۱۲ | ۲-۳. شرح وظایف و نحوه مشارکت شوراهای انجمن اولیا و مربیان |
| ۱۴ | ۲-۴. نحوه ایجاد مشارکت از طریق انجمن های اولیا و مربیان (اهداف آیین نامه) |
| ۱۴ | ۳. بررسی وضع موجود انجمن در سطح مدارس، مناطق و استان ها |
| ۱۴ | ۳-۱. نحوه انتخابات انجمن و نوع جلب مشارکت والدین |
| ۱۵ | ۳-۲. فعال ترین گروه های اجتماعی از میان والدین |
| ۱۵ | ۳-۳. عرصه های مشارکت انجمن در امور مدرسه ای |
| ۱۷ | ۳-۴. چالش های موجود در برابر مشارکت از طریق انجمن مدارس |
| ۱۸ | ۳-۵. بررسی وضع موجود شوراهای انجمن اولیا و مربیان (استان، شهرستان و منطقه) |
| ۱۹ | ۴. وضع موجود دفتر مرکزی انجمن های اولیا و مربیان |
| ۱۹ | ۴-۱. تحولات ساختاری از سال ۱۳۹۰ |
| ۲۱ | ۴-۲. بخش آموزش |
| ۲۱ | ۴-۳. مراکز مشاوره |
| ۲۱ | ۴-۴. پژوهشکده و نشریات تخصصی |
| ۲۲ | ۵-۴. نظارت و پشتیبانی ستادی |
| ۲۲ | ۵. جمع بندی و پیشنهادهای سیاستی |
| ۲۲ | ۵-۱. جمع بندی |
| ۲۳ | ۵-۲. پیشنهادهای سیاستی |
| ۲۴ | ۶. پیش نویس طرح «ارتقا و کارآمدسازی انجمن اولیا و مربیان» |
| ۲۴ | ۶-۱. مقدمه توجیهی |
| ۲۴ | ۶-۲. متن طرح |
| ۲۵ | منابع و مأخذ |



بررسی ابعاد مشارکت در آموزش و پرورش (۳): تجربه انجمن اولیا و مربیان

چکیده



انجمن اولیا و مربیان مدارس که از دهه ۱۳۲۰ در ایران فعالیت داشته‌اند، سازوکار مشارکتی است که تا پیش از انقلاب اسلامی به صورت انجمنی غیردولتی و مردم‌نهاد بوده و در ۳ درصد مدارس کشور فعالیت داشته است. اما با وقوع انقلاب اسلامی و تأکید نظام اسلامی بر استقرار الگوهای مشارکتی عمومی و مردمی، این انجمن با تبدیل شدن به عنصر مهمی در نظام رسمی آموزشی کشور که از پشتیبانی‌های کامل دولتی و مردمی برخوردار بوده است، بستر گسترده و متنوعی را برای نقش آفرینی والدین در تصمیم‌گیری، نظارت و اجرای امور مدرسه‌ای فراهم آورده است. همچنین انجمن اولیا و مربیان به مهم‌ترین سازوکار عمومی در جهت ارائه مشاوره و آموزش‌های لازم تربیتی برای خانواده‌ها و والدین تبدیل شده که خدمات گسترده‌ای را در این زمینه برای تمامی اقشار مردمی فراهم کرده است.

با وجود کارآمدی‌هایی که انجمن اولیا و مربیان در دوره پس از انقلاب داشته است، طی یک دهه اخیر این انجمن روندی نزولی را در سطح ستادی طی نموده که به نظر می‌رسد ظرفیت‌های پشتیبانی مالی، کارشناسی و محتوایی آن را با افول مواجه کرده است که با ادامه همین روند انجمن یکی از دو کارکرد اصلی خود یعنی ارائه خدمات توانمندسازی خانواده‌ها را بیشتر از پیش از دست خواهد داد. همچنین، کارکرد دیگر انجمن یعنی مشارکت والدین در امور اجرایی و تصمیم‌گیری و نظارت بر کار مدرسه نیز با خطر تضعیف پشتیبانی‌های ستادی مواجه است. این پژوهش به منظور شفاف‌سازی وضع موجود انجمن اولیا و مربیان از طریق مرور پیشینه آن و روندهای ستادی و مدرسه‌ای که تاکنون طی شده و از طریق مصاحبه با جمعی از والدین و مدیران مدارس و کارشناسان ستادی به انجام رسیده است. در پایان پژوهش براساس یافته‌ها، پیشنهادهایی در جهت اصلاح فرایند سیاستگذاری در این زمینه نیز مطرح شده است که مهم‌ترین آن عبارتند از: ۱. اصلاح جایگاه اداری و ساختاری دفتر مرکزی انجمن اولیا و مربیان و تبدیل آن به نهاد عمومی غیردولتی با افزودن نام «سازمان انجمن اولیا و مربیان» به قانون «فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» با مصوبه مجلس شورای اسلامی، ۲. اصلاح مجدد اساسنامه انجمن اولیا و مربیان با توجه به جایگاه این نهاد به عنوان نهاد عمومی غیردولتی، الگوی اداره هیئت امنایی و تشکیل هیئت امنای به نحوی که نصف به اضافه یک اعضا را اولیای دانش‌آموزان تشکیل دهند، ۳. عضویت نمایندگان از انجمن اولیا و مربیان در شوراهای اصلی سیاستگذاری آموزش و پرورش همچون شورای عالی آموزش و پرورش.

■ شرح / بیان مسئله

انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس، که تا پیش از انقلاب اسلامی با عنوان «انجمن همکاری خانه و مدرسه» فعالیت داشتند، براساس ایده مردمی‌سازی و مشارکت مردم در امر اداره آموزش و پرورش در انقلاب اسلامی، از سال ۱۳۶۰ با تحولی اساسی روبه‌رو شده و به یکی از نقاط قوت مشارکت مردمی در آموزش و پرورش بعد از انقلاب تبدیل شد. آمار مدارس دارای انجمن که تا پیش از انقلاب ۳ درصد بود، طی دهه‌های بعد از انقلاب به بیش از ۹۰ درصد رسید؛ علاوه بر این، انجمن اولیا و مربیان ایران یکی از بازوهای اصلی نظام آموزشی کشور در جهت توانمندسازی و مشارکت خانواده‌ها در امور تربیتی تبدیل شده که نتیجه خدمات گسترده آموزش و مشاوره خانواده‌ها از طریق نشریات این انجمن، ۳۶۰ مرکز مشاوره خانواده در سراسر کشور، برگزاری بیش از ۲۶۰ هزار دوره توانمندسازی خانواده با شرکت ۷ میلیون نفر از والدین دانش‌آموزان بوده است.

از سال ۱۳۸۶ با تصویب آیین‌نامه تشکیل شوراهای انجمن اولیا و مربیان (استان، شهرستان و منطقه)، سازوکار مشارکت والدین در امور فرامدرسه‌ای و مشارکت در مسائل سطح ستاد و استان نیز پررنگ‌تر شد. این دستاورد مشارکتی نتیجه همراهی متقابل سطوح ستادی، سیاستگذاری و خانواده‌ها در طول دهه پس از انقلاب اسلامی بوده است.

اما این روند مشارکتی و همراهی دولت و مردم در امر آموزش و پرورش از طریق انجمن‌های اولیا و مربیان، طی یک دهه گذشته با چالش‌هایی مواجه بوده و روندی رو به نزول را در پیش گرفته است. با اجرای طرح کوچک‌سازی دولت و ادغام مرکز انجمن اولیا و مربیان با سازمان مشارکت‌ها و مدارس غیردولتی و تقلیل جایگاه ریاست سازمان از قائم‌مقامی وزیر به سطح مدیر کل، حذف کامل ردیف‌های استخدای، کاهش چشمگیر بودجه‌های مصوب انجمن و در نهایت تلاش برای جداسازی انجمن از دولت که به مثابه حذف پشتیبانی‌های دولتی و ستادی از سازوکار مشارکتی انجمن‌های درون مدارس و خدمات مشاوره‌ای آن در سطح کشور به حساب می‌آید، انجمن اولیا و مربیان در وضعیتی نابسامان قرار گرفته است.

این در حالی است که انجمن اولیا و مربیان، یکی از دستاوردهای مهم مشارکتی در امر آموزش و پرورش بعد از انقلاب اسلامی به شمار می‌رود و کارکردهای دوسویه آن، یعنی کمک و مشارکت خانواده‌ها در اداره مدرسه از یک سو و توانمندسازی خانواده‌ها در امر تربیت فرزندان نشان از سویی دیگر، در هیچ‌یک از نهادهای عمومی و دولتی معادلی بدین گستردگی و با این دامنه اختیارات و وظایف و تجربه اندوخته ندارد. بنابراین مطالعه پیشینه انجمن و بازنگری در شرایط فعلی آن از جمله مهم‌ترین رسالت‌های مسئولان و سیاستگذاران کشور به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با انجام مطالعات اسنادی، مصاحبه با مدیران و اولیای مدارس و مصاحبه با برخی از مسئولان و کارشناسان ستادی، به بررسی وضعیت انجمن اولیا و مربیان در نظام آموزش و پرورش می‌پردازد.

■ نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

تدوین اولین اساسنامه انجمن اولیا و مربیان مدارس بعد از انقلاب در شهریور ۱۳۶۰، ایده اسلامی مشارکت مردمی از طریق «تعاون و تناصر» را که مشتمل بر سه جزء است، تعریف می‌کند: ۱. مشورت و تذکر، ۲. هم‌فکری و تصمیم‌گیری، ۳. اجرا و عمل همیارانه. این الگوی سه‌جزئی، الگویی اساسی برای مشارکت مردمی در آموزش و پرورش است که متأسفانه از دهه ۱۳۸۰ به بعد در آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها بیشتر بر «تصمیم‌گیری» تأکید شده و از مشارکت در اجرا و عمل کاسته می‌شود. همچنان که در اساسنامه سال ۱۳۶۰ اشاره شده، آموزش و پرورش از چنان وسعتی برخوردار است که وزار تخانه به تنهایی نمی‌تواند تصمیم‌گیری، نظارت و اجرای آن را برعهده بگیرد، بنابراین بهتر است «امر همگان را به همگان سپرده» و چه در تصمیم‌گیری، چه در نظارت و چه در برنامه‌اجرایی مدرسه از یاری خانواده‌ها و عموم مردم بهره برد. فروکاست ایده «تعاون» در انجمن اولیا و مربیان به مشارکت در «تصمیم‌گیری» یکی از مهم‌ترین انحرافات سیاستگذاری آموزشی در کشور بوده است.

چالش دوم، تصمیم در زمینه کوچک‌سازی دولت است که باعث دست‌اندازی در سازوکار انجمن‌های اولیا و مربیان شده است. به این ترتیب که علاوه بر کاهش ردیف‌های استخدای مربوط به انجمن از ۳۰۰ ردیف استخدای به ۸ ردیف، در بسیاری از مناطق آموزشی نیز، به دلیل کمبود کارشناس، کارشناس مسئول انجمن با سایر ردیف‌های کارشناسی ادغام شده و عملاً پشتیبانی منطقه از انجمن‌های مدارس به حداقل ممکن



رسیده است. همچنین در زمینه خدمات‌رسانی مشاوره‌ای و تربیتی به خانواده‌ها که از طریق نشریات و به‌ویژه مراکز مشاوره‌ای انجمن در سراسر کشور به انجام می‌رسید، شاهد افول این برنامه و تعطیلی این مراکز هستیم.

این در حالی است که طی سه دهه اخیر مسئله مشارکت به یکی از مسائل مهم در سطح سیاستگذاری تبدیل شده و مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون «تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور» و وزارتخانه با ایجاد سازوکارهای هیئت‌امنایی و ... در تلاش برای افزایش ورود مردم و مشارکت مردم به نظام آموزش مدرسه‌ای هستند. تشکیل موازی سازوکارهای موازی و عدم بررسی کارشناسانه در هنگام تصویب آیین‌نامه‌ها و قوانین، باعث شده نه تنها مشارکت مردمی نظام یافته و گسترده‌تر نشود، بلکه همان سازوکارهای قدیم، مانند انجمن‌های اولیا و مربیان با تداخل وظایف با سازوکارهای جدید با چالش مواجه شوند. این در حالی است که شورای عالی آموزش و پرورش موظف بوده است براساس راهکار ۳-۴ سند تحول بنیادین، «برنامه جامع مشارکت خانواده و نهادهای تربیتی و آموزشی» را تدوین و به تصویب رساند. اما کوتاهی در انجام این امر، عامل آشفتگی هرچه بیشتر در امر مشارکت و همچنین در سامان دادن به وضعیت انجمن‌های اولیا و مربیان شده است.

■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

■ اصلاح جایگاه اداری و ساختاری دفتر مرکزی انجمن اولیا و مربیان و تبدیل آن به نهاد عمومی غیردولتی با افزودن نام «سازمان انجمن اولیا و مربیان» به قانون «فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» با مصوبه مجلس شورای اسلامی.

■ اصلاح اساسنامه انجمن اولیا و مربیان با توجه به:

○ ماهیت حقوقی این نهاد به عنوان نهاد عمومی غیردولتی،

○ الگوی اداره هیئت‌امنایی و تشکیل هیئت‌امنا به نحوی که نصف به اضافه یک اعضا را اولیای دانش‌آموزان تشکیل دهند.

■ تدوین «برنامه جامع مشارکت خانواده و نهادهای تربیتی و آموزشی» ذیل راهکار ۳-۴ سند تحول بنیادین و تصویب آن در شورای عالی آموزش و پرورش. این برنامه باید آیین‌نامه‌ای در جهت تشریح نقش تعیین شده برای انجمن‌های اولیا و مربیان و دفتر مرکزی آن در الگوی جامع مشارکت خانواده‌ها باشد.

■ اصلاح آیین‌نامه انجمن‌های اولیا و مربیان واحدهای آموزشی مصوب شورای عالی انجمن اولیا و مربیان، مورخ ۱۳۷۲ براساس رویکرد سند تحول بنیادین و آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۰ مدارس به مشارکت خانواده در مدرسه و عملکردهای نظام آموزشی.

■ احیای شورای عالی انجمن اولیا و مربیان و همچنین مجمع یا کنگره سراسری اولیا و مربیان به عنوان دورکن از سه رکن اصلی انجمن اولیا و مربیان. احیای این دورکن امکان تصمیم‌گیری شورایی و مشارکت بیشتر والدین در اداره انجمن اولیا و مربیان و همچنین مطالبه‌گری ایشان از نظام آموزشی در سطح کلان را فراهم خواهد کرد.

■ اجازه قانونگذار به خروج اولیای داوطلب مشارکت در امور اجرایی و آموزشی مدارس، از دایره شمول بیمه و مزایای استخدامی.

■ آموزش مدیران مدارس در زمینه «ایجاد مشارکت از طریق سازوکار انجمن‌های اولیا و مربیان» طی دوره‌های آموزش ضمن خدمت، توسط سازمان انجمن اولیا و مربیان.

■ به منظور ارتقای جایگاه انجمن اولیا و مربیان و افزایش مشارکت اولیا در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری، پیشنهاد می‌شود نمایندگانی از انجمن اولیا و مربیان در شوراهای اصلی سیاستگذاری آموزش و پرورش (شورای عالی آموزش و پرورش، شورای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مرکزی و ...) عضو شوند.

۱. مقدمه

انجمن‌های اولیا و مربیان یکی از قدیمی‌ترین سازوکارهای مشارکت مردمی در آموزش و پرورش ایران محسوب می‌شوند. از سال ۱۳۲۶ که اساسنامه انجمن خانه و مدرسه به تصویب رسید، تا به امروز بیش از ۸۵ سال است که انجمن‌ها در درون مدارس به فعالیت پرداخته و محلی برای پیوند بیشتر فکری و اجرایی والدین، جامعه محلی و مربیان مدارس بوده‌اند. هرچند در ابتدا و حتی تا پیش از انقلاب، این سازوکار آنچنان که باید و شاید در درون مدارس پا نگرفته بود، اما با وقوع انقلاب اسلامی و تغییر سازوکار انجمن‌های اولیا و مربیان و شکل‌گیری پشتیبانی ستادی و دولتی از این مجموعه در جهت گسترش مشارکت خانواده‌ها در اداره و تصمیم‌گیری امور مدرسه‌ای، سبب گسترش روزافزون این انجمن‌ها و مدارس تحت پوشش آن شد. امروزه انجمن‌های اولیا و مربیان با چند میلیون عضو در بیش از ۹۰ درصد مدارس کشور و شوراهای انجمن اولیا و مربیان در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های مشارکتی آموزش و پرورش رسمی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌روند.

با وجود ظرفیت‌های موجود در انجمن‌های اولیا و مربیان برای مردمی‌سازی و مشارکت خانواده‌ها در امر آموزش و پرورش، توجه در خوری به آن نشده و توجه‌ها بیشتر به سمت سازوکارهایی مانند اعطای سرانه‌های دانش‌آموزی و مدارس هیئت‌امانی سوق یافته است. حال جای این پرسش وجود دارد که از میان سازوکارهای مشارکتی که در حوزه آموزش و پرورش وجود دارد کدام یک از این ساختارها ظرفیت‌های بیشتری را برای مشارکت‌های متنوع و کارآمد مردمی در اختیار دارد؟ انجمن اولیا و مربیان و شوراهای انجمن استانی و شهرستانی در این بین چه جایگاهی دارند؟ با توجه به پیشینه بسیار قدیم‌تر این انجمن‌ها آیا کارکرد مدنظر سیاستگذاران از ایجاد آنها رقم خورده است؟ چه مشکلاتی بر سر راه عملکرد مطلوب انجمن‌ها وجود دارد و آیا با رفع این مشکلات می‌توان امیدوار بود که مشارکتی مطلوب‌تر از طریق این سازوکار رقم خورد؟

پژوهش حاضر برای پاسخ به پرسش‌های فوق و ارائه راهکارهایی به سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نظام آموزشی در جهت بهبود سازوکار انجمن‌ها طراحی و تدوین شده است. روش پژوهش به صورت تلفیقی و با استفاده از «مطالعات اسنادی»، «مطالعات مروری» و «مصاحبه نیمه‌ساختاریافته» تعریف شده است. گزارش پژوهشی حاضر در ۳ بخش اصلی سازمان یافته است:

در گام اول با عنوان «تاریخچه و آیین‌نامه‌های انجمن‌های اولیا و مربیان»، به مطالعه اسناد موجود در زمینه تاریخچه این انجمن‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به آن و همچنین مطالعه پژوهش‌هایی که در دوره‌های زمانی مختلف طی ۸۵ سال گذشته در این زمینه صورت گرفته است، به تشریح اهداف سیاستگذاران در آیین‌نامه‌ها و تعریف ساختارهای متفاوت برای انجمن‌ها و همچنین نحوه رشد انجمن و عملکرد آن در طی تاریخ می‌پردازد.

در گام دوم با عنوان «بررسی وضع موجود انجمن‌ها و شوراهای انجمن اولیا و مربیان»، با انجام ۱۲ مصاحبه عمیق با تعدادی از اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان، کادر مدرسه و ۳ مصاحبه با مسئولین ستادی و همچنین مطالعه پژوهش‌هایی که طی دو دهه اخیر در زمینه عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان، و شوراهای صورت گرفته است، به توصیف وضع موجود انجمن‌ها و تحلیل برخی علل مشکل ساز بر سر راه عملکرد مطلوب می‌پردازد.

در نهایت در گام سوم گزارش، پژوهشی با عنوان «جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی»، راهکارهای بهبود سازوکار مشارکت از طریق انجمن‌های اولیا و مربیان در سطح سیاستی، اصلاح آیین‌نامه و اصلاح ساختاری بررسی خواهد شد.



۲. تاریخچه و آیین‌نامه انجمن‌های اولیا و مربیان

۱-۲. تاریخچه کوتاه انجمن

تاریخچه انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس در ایران به دهه ۱۳۲۰ بازمی‌گردد. اولین اساسنامه این انجمن‌ها با عنوان «اساسنامه انجمن همکاری خانه و مدرسه» [۱] به تصویب شورای عالی فرهنگ کشور رسید. براساس ماده سیزدهم این اساسنامه [۲] وظایف اصلی انجمن‌های مدارس از این قرار بود:

مشاوره در باب امور جاری آموزشگاه و سعی در رفع نواقص آن، رسیدگی به تقاضا و پیشنهادهای اولیای دانش‌آموزان، کوشش در تهیه کتب و نوشت افزار، توسعه کتابخانه و آزمایشگاه، تشکیل جلسات سخنرانی و جشن، تغییر خدمتگزار مدرسه، مراقبت در امر بهداشت دانش‌آموزان، تهیه وسایل کارهای دستی و حرفه‌ای.

این انجمن‌ها تا سال ۱۳۴۶ مجزای از هم و بدون وجود سازمانی مرکزی به کار خود ادامه دادند. انجمن ملی اولیا و مربیان اولین بار در سال ۱۳۴۶ توسط خانم آصفه آصفی و با الگوبرداری از مدرسه اولیای فرانسه تأسیس شد. این سازمان غیردولتی بوده و با کمک‌های مردمی، آموزش و پرورش، بخش‌های دولتی و غیردولتی و خیرین به فعالیت‌هایی در زمینه آموزش و توانمندسازی اولیا در امور تربیت و همکاری بیشتر با مدارس مشغول بود.

در آن زمان سه بخش اصلی برای سازمان در نظر گرفته شد که این بخش‌ها در ساختار پس از انقلاب نیز برقرار ماند: بخش اول، مطالعات و تحقیقات بود که مسئولیت تحقیق در زمینه مسائل خانوادگی و تربیتی را برعهده داشت، بخش دوم، آموزش خانواده که رسالت بالابردن سطح اطلاعات خانواده و هدایت ایشان در امور تربیتی را عهده‌دار بود و بخش سوم، انتشارات که نشریه «مکتب‌مأم» را منتشر می‌کرد. انجمن از سال ۱۳۴۶ عضویت فدراسیون جهانی آموزش اولیا را به‌عنوان اولین کشور آسیایی دارا بوده است [۳]. در سال ۱۳۴۸ به‌منظور توسعه و تعمیم فعالیت‌های انجمن ملی، یازده کمیته منطقه‌ای در ادارات نواحی آموزش و پرورش تهران آغاز به کار کردند.

قدیمی‌ترین تحقیق در زمینه انجمن‌های اولیا و مربیان در ایران در سال ۱۳۵۰ توسط وزارت فرهنگ صورت گرفت. این تحقیق حاکی از آن بود که در آن سال فقط ۳ درصد مدارس تهران موفق به تشکیل انجمن شده‌اند. فعالیت این انجمن‌ها حول مسائل مادی و رفاهی مدارس بوده است [۴]. بررسی فعالیت‌های انجمن ملی و مقاله‌های منتشر شده در نشریه مکتب‌مأم نیز نشانگر آن است که فعالیت انجمن ملی در دوره پیش از انقلاب بیشتر معطوف به سطح کلان و ملی بوده و کمتر به فعالیت در سطح مدارس پرداخته است. همچنین نشریه مکتب‌مأم نیز در سال‌های سوم و چهارم گرایش بیشتری به درج مقاله‌های پژوهشی و ترجمه متون خارجی پیدا کرد و اخبار انجمن‌های خانه و مدرسه را پوشش نمی‌داد [۵].

پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجمن ملی از حالت غیردولتی درآمد و به ساختار رسمی آموزش و پرورش ملحق شد و با عنوان سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان ایران به فعالیت خود ادامه داد. اساسنامه جدید انجمن در شهریور ۱۳۶۰ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید که در آن تأکید اساسی بر همکاری نظام رسمی با خانواده‌ها، برای اداره امور مدارس شده بود. در مقدمه این اساسنامه با اشاره به گستردگی و اهمیت امر آموزش و پرورش، ایده مشارکت به این‌گونه تشریح شده است [۶]:

آموزش و پرورش کشور، بنیادی است عظیم و گسترده، به عظمت و گستردگی سراسر کشور و کمتر کسی است که با این بنیاد بی‌ارتباط باشد. همه و یا اکثریت اعضای جامعه یا خود دانش‌آموزند و یا پدر و مادران دانش‌آموزان و یا مربی و معلم آنان. اداره و اشراف بر چنین بنیاد عظیم و گسترده‌ای با کیست؟ آیا وزارت آموزش و پرورش می‌تواند بر تمام ابعاد آن اشراف کامل داشته باشد؟ چگونه می‌تواند؟ در صورتی که خود جزء کوچکی از جامعه بزرگ میهن اسلامی ماست؛ مگر کاری را که به وسعت همه افراد کشور و گستردگی سراسر کشور است، جز همه افراد کسی می‌تواند بر آن اشراف داشته باشد؟ چاره‌ای نیست که کار همگان را به همگان بسپریم و برای انجام مسئولیت عظیم آموزش و پرورش فرزندان سراسر میهن بزرگ اسلامی از همگان یاری بخواهیم؛ بر این اساس و برای پیشبرد هر چه بیشتر و بهتر آموزش و پرورش کشور، همه پدران و مادران و مربیان سراسر کشور باید به یاری فرزندان خود بشتابند و در این مهم با یکدیگر صمیمانه همفکری و همکاری کنند، زیرا چنین مسئولیت عظیمی را جزء به تناسخ و حسن تعاون نمی‌توان انجام داد؛ با خیرخواهی و دلسوزی و مهر و شفقت با یکدیگر به مشورت نشستن و تذکر مشفقانه دادن و شنیدن و نتیجه مشورت‌ها و تذکرها را با تعاون و همکاری صمیمانه در عمل به کار بستن، این است معنای تناسخ و تعاون در فکر و عمل.

ایده تناسخ و تعاون، ایده اصلی مشارکت از طریق انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس در ابتدای انقلاب بوده که نیاز به بازخوانی آن برای امروز

ضروری به نظر می‌رسد. این ایده از طریق تلاش همه‌جانبه برای استقرار انجمن اولیا و مربیان در تمام مدارس کشور از یک سو و تعیین قائم‌مقام وزیر در امر انجمن اولیا و مربیان و ایجاد سازوکارهای پشتیبانی ستادی از سوی دیگر به اجرا درآمد. با تحول در ساختار انجمن اولیا ظرفیت عظیم ملی و دولتی برای گسترش مشارکت خانواده‌ها از این طریق در مدارس فراهم شد. از آن زمان به بعد انجمن اولیا و مربیان به یکی از ارکان مدیریت مدرسه تبدیل شده و مدیران مدارس موظف به تشکیل انجمن در درون مدارس شدند.

سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان از ابتدای انقلاب نقشی مهم در آموزش و مشاوره خانواده‌ها در زمینه مسائل تربیتی فرزندان داشته است. انجمن مرکزی از آن زمان تاکنون دارای سه بخش اصلی بوده است: بخش آموزش خانواده، بخش مشاوره خانواده و اداره کل انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس.

بخش آموزش بزرگ‌ترین مرکز برگزارکننده دوره‌های آموزش خانواده در سطح کشور محسوب می‌شود که در دوره اوج خود پیش از کرونا، سالانه بیش از ۲۶۰ هزار دوره با حدود ۷ میلیون شرکت‌کننده از والدین دانش‌آموزان را برگزار می‌کرده است. در بخش مشاوره سازوکار ستادی انجمن مرکزی، ایجاد مراکز مشاوره خانواده‌ها و تربیت مشاوران از میان فرهنگیان سراسر کشور است که در حال حاضر ۳۶۰ مرکز از این‌گونه مراکز در حال فعالیت هستند. فعالیت قابل توجه دیگر انجمن در حوزه آموزش و مشاوره، تولیدات محتوایی و انتشارات تخصصی است؛ انتشارات انجمن اولیای کشور نه تنها از ابتدای انقلاب تاکنون بیش از ۳۲۰ عنوان کتاب تخصصی را در این زمینه منتشر کرده، بلکه صاحب‌امتیاز نشریه پیوند به‌عنوان یکی از پرتیراژترین نشریات کشور است [۷].

اداره کل انجمن‌های اولیا و مربیان مسئولیت پشتیبانی از انجمن‌های مدرسه‌ای را بر عهده دارد. این اداره نقشی اساسی در تعریف ساختار مشارکتی چندسطحی داشته که از مدرسه تا وزارتخانه را در بر می‌گیرد. این سازوکار عبارت است از تشکیل شوراهای انجمن اولیا و مربیان استانی، شهرستانی و مناطق. با ایجاد این سازوکار مشورتی و اجرایی، ظرفیت قابل توجهی برای استفاده از توانمندی‌های اولیا در سطوح ستادی فراهم شده که البته هنوز آنچنان که باید و شاید از این ظرفیت استفاده نشده است.

با توجه به گسترش انجمن‌های مدارس از ۳ درصد در دهه ۱۳۵۰ به بیش از ۹۰ درصد در شرایط کنونی، گسترش دایره وظایف و اختیارات اولیا در آیین‌نامه‌های پس از انقلاب نسبت به آیین‌نامه «انجمن‌های همکاری خانه و مدرسه» در دوره پیش از انقلاب، ایجاد بیش از ۳۸۰ مرکز مشاوره و راهنمایی خانواده و برگزاری کلاس‌های تخصصی آموزش خانواده در سراسر کشور (که در ادامه پژوهش بیشتر توضیح داده خواهد شد)، بررسی تاریخچه انجمن‌های اولیا و مربیان کشور نشانگر تحولات سازوکار انجمن‌های اولیا و مربیان پس از انقلاب و تبدیل شدن آن به یکی از تحولات مشارکتی جدی در نظام آموزشی ایران است.

در ادامه، ابتدا به شرح و بررسی فعالیت انجمن اولیا و مربیان در مدرسه و سپس به بررسی شرح وظایف و نحوه مشارکت شوراهای انجمن اولیا و مربیان پرداخته خواهد شد.

۲-۲. شرح وظایف و نحوه فعالیت انجمن اولیا و مربیان در مدرسه

همان‌طور که اشاره شد انجمن اولیا و مربیان یکی از ارکان اصلی مدرسه محسوب می‌شود. از این رو شرح وظایف آن نیز در کنار ۴ رکن دیگر در آیین‌نامه اجرایی مدارس (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش) مشخص شده است. بررسی آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۴۰۰ با نسخه پیشین آنکه در سال ۱۳۷۹ به تصویب رسیده بود، نشانگر تغییرات اساسی در گستره وظایف و اختیارات انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس است. در آیین‌نامه سال ۱۳۷۹ برای انجمن‌ها ۱۵ وظیفه مشخص شده که موارد اساسی آن به شرح زیر است [۸]:

■ تأمین مشارکت خانواده‌ها،

■ برنامه‌ریزی جلسات اولیا،

■ مشارکت در برنامه کارآموزی هنرجویان در هنرستان‌ها،

■ همکاری در فعالیت‌های پرورشی با مدیر مدرسه،

■ جلب مشارکت اولیای خیر و یا صاحبان حرفه،

■ تصمیم‌گیری درباره سرویس مدرسه،

■ حضور در شورای مالی مدرسه،

■ نظارت بر هزینه‌کرد کمک‌های مردمی،



■ انجام امور بخشنامه‌های از سوی انجمن مرکزی.

اما در آیین‌نامه سال ۱۴۰۰، علاوه بر اینکه این وظایف از ۱۵ مورد به ۲۶ مورد رسیده و از حالت کلی گویی خارج شده، شاهد آن هستیم که نوع وظایف و حوزه اختیاراتی متفاوت و اساسی‌تر در زمینه مشارکت خانواده‌ها در نظر گرفته شده است. از تغییرات اساسی دیگر در این مصوبه باید به این نکته اشاره کرد که این مصوبه پس از دو تحول اساسی در نظام آموزشی و سازوکار انجمن مرکزی اولیا و مربیان تدوین شده است: مورد اول تدوین سند تحول بنیادین و مورد دوم ایجاد شوراهای انجمن استانی و منطقه‌ای. بنابراین آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۴۰۰ در بخش انجمن اولیا و مربیان علاوه بر انطباق‌یابی با سند تحول بنیادین در بخش مشارکت‌های مردمی، وظایف جدیدی برای انجمن‌های اولیای مدارس در زمینه همکاری با شوراهای انجمن استانی و منطقه‌ای نیز تعریف شده است. حال با توجه به این موارد و حفظ عموم وظایف و اختیارات مصوبه سال ۱۳۷۹، آیین‌نامه ۱۴۰۰ وظایف ذیل را به شرح وظایف انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس افزوده است [۹]:

■ رصد عملکرد مدرسه،

■ شناسایی خانواده‌های آسیب‌پذیر و کمک‌رسانی به آنان،

■ شناسایی اولیای بی‌سواد و برنامه‌ریزی سوادآموزی،

■ ارتباط با دستگاه‌های برون‌سازمانی،

■ بررسی و تصویب پرداخت کارانه، پاداش و حق الزحمه کارکنان،

■ تصمیم‌گیری درباره پوشش و لباس دانش‌آموزان،

■ ارتقای تجهیزات آزمایشگاهی، ورزشی و بهداشتی مدرسه،

■ ارتباط با شورای انجمن اولیا و مربیان منطقه،

■ ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی،

■ ارتباط با انجمن سایر مدارس.

البته آنچه تا به اینجا مطرح شد براساس شرح وظایف «انجمن اولیا و مربیان» در «آیین‌نامه‌های اجرایی مدارس» است که این وظایف و اختیارات را به‌طور کلی مطرح می‌نماید. اما تفصیل این شرح وظایف در «آیین‌نامه انجمن‌های اولیا و مربیان واحدهای آموزشی» مصوب شورای عالی انجمن اولیا و مربیان است که در تاریخ ۱۳۷۲/۰۳/۲۲ به تصویب رسیده [۱۰] و از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۷۴-۱۳۷۳ به مرحله اجرا گذاشته شده است. این آیین‌نامه تفصیلی، که هر ساله به صورت چاپی و به صورت «کتابچه انجمن اولیا و مربیان» به مدارس ارسال می‌شود، همه مراحل فعالیت انجمن مدرسه از برگزاری انتخابات در هفته پیوند، تا تحویل گزارش‌های مالی مدرسه به منطقه را به‌طور دقیق تشریح کرده است. بنابراین مبنای کار مدرسه در حوزه خانواده، نه آیین‌نامه اجرایی مدرسه در بخش انجمن اولیا و مربیان، بلکه کتابچه سالیانه یا همان «دفتر کار انجمن» است که در ابتدای هر سال تحویل داده می‌شود. متأسفانه عدم به‌روزرسانی این آیین‌نامه طی سه دهه گذشته و به‌ویژه پس از تصویب سند تحول بنیادین که تحول‌نگرشی به مسئله مشارکت خانواده‌ها در نظام آموزشی به‌شمار می‌رود، باعث شد افزایش اختیاراتی که آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۰ به انجمن و خانواده‌ها داده است، در مرحله عملی، ابر بماند.

۳-۲. شرح وظایف و نحوه مشارکت شوراهای انجمن اولیا و مربیان

شوراهای انجمن اولیا و مربیان سازوکار مشارکتی نسبتاً جدیدی محسوب می‌شود که به دنبال گسترش ظرفیت‌های مشارکت والدین در سطح ستادی، منطقه‌ای و استانی است. تا پیش از دهه ۱۳۷۰، والدین صرفاً در ارتباط با مدارس بودند و استفاده از ظرفیت والدین در سطوح منطقه‌ای و استانی مقدور نبود. سال ۱۳۷۲ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش استانی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که براساس آن مسئولین و چهره‌های شاخص استانی به‌همراه ۳ نفر از اعضای اولیای دانش‌آموزان، برخی از تصمیمات آموزش و پرورش استان را عهده‌دار می‌شوند [۱۱]. اما این سازوکار نسبتی با انجمن اولیای مرکزی نداشته و والدین نیز از جایگاه ویژه‌ای در آن برخوردار نبودند. از این‌رو برای افزایش ظرفیت همکاری والدین در تصمیمات و برخی حوزه‌های اجرایی آموزش و پرورش در سطوح ستادی، از اواسط دهه ۸۰ شمسی، توجه به ایجاد سازوکارهای میانی مشارکت در دستور کار انجمن اولیای مرکزی قرار گرفت. اولین آیین‌نامه شوراهای انجمن اولیا و مربیان (استان، شهرستان و منطقه) در سال ۱۳۸۶ در هفتصد و دومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده و پس از تأیید رئیس‌جمهور در مردادماه همان سال آیین‌نامه از طرف وزیر و دستورالعمل اجرایی آن نیز توسط سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان

به استان‌ها ابلاغ شد [۱۲].

پس از تغییر ساختاری سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان در سال ۱۳۹۰ در جهت کوچک‌سازی وزارتخانه و الحاق سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان ایران به سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی، آیین‌نامه تشکیل شوراهای انجمن اولیا و مربیان مورد بازنگری قرار گرفته و در تیرماه سال ۹۱ اصلاحیه آن ابلاغ شد [۱۳].

براساس این آیین‌نامه ترکیب اعضای شورای انجمن اولیا و مربیان استان عبارت است از: مدیر کل آموزش و پرورش استان، معاون پرورشی، معاون پشتیبانی، رئیس گروه انجمن اولیا و مربیان، ۶ نفر از اولیای انجمن مناطق، ۳ نفر از مدیران مدارس عضو انجمن مناطق، ۱ نفر از رؤسای ادارات مناطق، مدیر کل امور اجتماعی استانداری، ۱ نفر متخصص حوزه مشاوره خانواده، ۱ نفر صاحب‌نظر آموزش خانواده، رئیس مجمع خیرین مدرسه‌ساز استان، ۱ نفر از روحانیون آشنا به مسائل تعلیم و تربیت.

شرح وظایف شوراهای انجمن اولیا و مربیان استانی به‌طور خلاصه به شرح ذیل است [۱۴]:

- برنامه‌ریزی‌های آموزشی والدین،
 - برنامه‌ریزی‌های هماهنگی والدین با مدارس،
 - افزایش اثربخشی شوراهای مناطق،
 - توسعه مراکز مشاوره خانواده،
 - توسعه شیوه‌های جذب کمک‌های مالی از والدین،
 - توسعه مشارکت‌های تخصصی و مهارتی والدین،
 - توسعه همکاری با سازمان‌ها و نهادها،
 - انتخاب والدین برای عضویت در شورای آموزش و پرورش استان،
 - تصمیم‌گیری در زمینه سرویس مدارس،
 - نظارت بر شوراهای انجمن اولیای و مربیان مناطق،
 - ارائه گزارش به سازمان مشارکت‌های مردمی.
- همچنین ترکیب اعضای شوراهای انجمن اولیا و مربیان شهرستان، منطقه و ناحیه عبارت است از [۱۵]: رئیس اداره کل آموزش و پرورش، معاون پرورشی، معاون پشتیبانی، کارشناس انجمن اولیا و مربیان، ۶ نفر از والدین عضو انجمن‌های مدارس، ۳ نفر از مدیران مدارس، مسئول امور اجتماعی فرمانداری یا بخشداری، ۱ نفر صاحب‌نظر مشاوره خانواده، ۱ نفر صاحب‌نظر آموزش خانواده، رئیس مجمع خیرین مدرسه‌ساز، ۱ نفر از روحانیون آشنا به مسائل تعلیم و تربیت، کارشناس امور زنان.

خلاصه شرح وظایف انجمن‌های اولیا و مربیان شهرستان، منطقه و ناحیه نیز به‌قرار ذیل است [۱۶]:

- نظارت بر انتخابات و فعالیت انجمن‌های مدارس،
- توسعه آموزش‌های خانواده،
- توسعه مشارکت‌های تخصصی و مهارتی والدین،
- جذب کمک‌های داوطلبانه والدین،
- تصمیم‌گیری در زمینه سرویس مدارس،
- توسعه همکاری با سازمان‌ها و نهادها،
- انتخاب اولیا برای عضویت در شورای انجمن استان.

همان‌گونه که مشخص است این سطوح به‌عنوان پشتیبان اصلی انجمن‌های مدرسه‌ای و رابط آن با سطوح بالاتر محسوب می‌شوند و از طرف دیگر نقشی اساسی در گسترش آموزش‌ها و مشاوره‌های خانواده می‌توانند ایفا نمایند. اما از سوی دیگر شاهد برخی تداخل وظایف و موازی‌کاری‌ها همچون تصمیم‌گیری درباره سرویس مدارس در چند سطح متفاوت هستیم که نیازی به آن نیست. اینکه تا چه میزان همه سطوح انجمن در استان، شهرستان، ناحیه و منطقه مورد نیاز است یا اینکه صرف وجود یک یا دو سطح از آن کفایت می‌کند، مسئله‌ای است که در پژوهش‌ها توجه خاصی به آن نشده است.



۴-۲. نحوه ایجاد مشارکت از طریق انجمن‌های اولیا و مربیان (اهداف آیین‌نامه)

با بررسی آیین‌نامه‌های انجمن اولیا و مربیان و شوراهای انجمن استانی و منطقه‌ای می‌توان به این نتیجه رسید که سازوکار انجمن‌های اولیا و مربیان، سازوکار مشارکتی چندوجهی است که برخلاف برخی سازوکارهای مشارکتی دیگر مانند هیئت‌امناي مدارس که بیشتر وجه مشارکت در تصمیم‌گیری دارد، یا سازوکار مدارس غیردولتی که بیشتر جنبه مشارکت مالی را مدنظر دارد، سازوکار انجمن‌های اولیا و مربیان هم در تصمیم‌گیری در سطوح مختلف، هم در برخی فعالیت‌های اجرایی، هم نظارت بر کار مدارس و همچنین سازماندهی برخی از موارد مهم مرتبط با کار مدارس همچون سرویس مدارس و لباس‌های فرم را مدنظر قرار داده است. انجمن‌های اولیا و کار مهمی را در زمینه آموزش و مشاوره‌های خانواده مهیا کرده است که هیچ دستگاه و واحد دولتی دیگری، ظرفیت آن را برای ارتقای توانمندی‌های تربیتی خانواده‌ها ندارد. با بررسی سازوکارهای مشارکتی مختلف در حوزه آموزش و پرورش و آیین‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و پیشینه می‌توان گفت، سازوکار مشارکت از طریق انجمن‌های اولیا و مربیان متنوع و گسترده بوده است و حوزه‌های زیر را پوشش می‌دهد:

■ مشارکت در نظارت و رصد عملکرد مدارس،

■ مشارکت در تصمیم‌گیری (در مدرسه و در سطوح ستادی)،

■ مشارکت در امور اجرایی مدارس (همچون بهره‌گیری از مهارت‌های والدین)،

■ مشارکت در آموزش، مشاوره و توانمندسازی تربیتی خانواده‌ها،

■ مشارکت ارتباطی در سطوح مختلف از مدرسه تا ادارات کل.

گفتنی است، مضمحل شدن برخی از این سازوکارهای مشارکتی در طی زمان است؛ به‌ویژه انجمن در سطح فرامدرسه‌ای که مرتبط با شوراهای انجمن اولیا و مربیان در سطح مناطق و استان‌ها می‌شود، هرچند در ابتدای کار (دهه‌های ۷۰ و ۸۰)، عملکرد مناسبی داشته، اما در شرایط کنونی با ضعف شدید ستادی انجمن، شوراهای فعالیت قابل توجهی ندارند و بسیاری از اعضای انجمن اولیا و مربیان در مدارس از وجود چنین شوراهایی بی‌اطلاع هستند. همچنین کنگره یا مجمع سراسری اولیا و مربیان، به‌عنوان یکی از ارکان انجمن مرکزی [۱۷]، باید هر سال با حضور اولیایی از همه مناطق آموزشی کشور تشکیل و نظرات آنان را در اصلاح نظام آموزشی جویا می‌شد، اما از دهه ۷۰ تاکنون این انجمن تشکیل نشده است [۱۸]. بنابراین، سازوکار انجمن اولیا و مربیان هرچند باعث شد، نظام آموزشی از حضور و مشارکت والدین در مدارس استفاده کند، اما نتوانسته این امکان را برای والدین فراهم کند تا در مقابل ارائه خدمات و کمک مالی به مدارس، بتوانند مطالبات خود از نظام آموزشی را در سطح فرامدرسه‌ای پیگیری نماید. این مسئله یکی از مهم‌ترین معضلات انجمن اولیا و مربیان طی دو دهه گذشته بوده است.

۳-۳. بررسی وضع موجود انجمن در سطح مدارس، مناطق و استان‌ها

پس از بررسی تاریخچه و آیین‌نامه‌های مربوط به انجمن اولیا، به بررسی تجربی وضع موجود انجمن‌ها در دو سطح پرداخته‌ایم: انجمن‌های مدارس و شوراهای انجمن استان، شهرستان و منطقه. این بررسی و پژوهش میدانی، مشخص کردن میزان مطابقت عملکردهای موجود انجمن با آیین‌نامه‌ها و خواسته‌های سیاستگذار در امر مشارکت است. صرفاً براساس چنین بررسی است که می‌توان به ظرفیت‌ها یا مشکلات موجود پی برده و سیاستگذاری اصلاحی را در زمینه انجمن اولیا به نتیجه مطلوب رساند.

۱-۳. نحوه انتخابات انجمن و نوع جلب مشارکت والدین

انتخابات انجمن براساس دستورالعمل تعیین شده در فصل چهارم آیین‌نامه انجمن اولیا و مربیان واحدهای آموزشی (مصوب ۱۳۷۳)، مهرماه هر سال تحصیلی، توسط مدیر مدرسه برگزار می‌گردد. در این انتخابات، ضمن دعوت از اولیا، نامزدهای انتخاباتی در شرایط برابر به معرفی خود پرداخته و پس از آن، هریک از والدین نفرات مدنظر خود را انتخاب می‌نماید. بررسی میدانی صورت گرفته نشانگر آن است که این سازوکار در مدارس حداقل به سه صورت به انجام می‌رسد:

■ اجرای شفاف آیین‌نامه و برگزاری انتخابات آزاد،

■ مداخله مدیر در گزینش نامزدهای انتخاباتی و معرفی ایشان. در این حالت هر چند انتخابات برگزار می‌شود، اما لیست نهایی نمایندگان انجمن، تا حدودی با مداخله مدیر رقم خورده است،

■ برگزاری صوری انتخابات و انتخاب نمایندگان انجمن از سوی مدیر مدرسه.

در پژوهش افقهی (۱۳۸۷) که به بررسی نحوه برگزاری انتخابات در مدارس شهر تهران پرداخته و نمونه‌ای به اندازه ۴۲۰ نفر را تحلیل کرده، نتایج ذیل به دست آمده است:

- میزان مشارکت اولیا در انتخابات ۶۵.۹ درصد که بیشترین مشارکت در دوره متوسطه اول و کمترین مشارکت در دوره ابتدایی بوده است؛
- میزان مشارکت در مناطق محروم شهر تهران بیش از مناطق برخوردار است؛ به طوری که منطقه ۱۸ تهران ۷۵.۷ درصد و منطقه یک، ۶۰.۷ درصد مشارکت را نشان می‌دهد؛
- زنان (۶۰٪) بیش از مردان (۴۰٪) داوطلب عضویت در انجمن بوده‌اند. این اختلاف تمایل زنان در مناطق کمتر برخوردار مانند منطقه ۱۸ بیشتر شده و به حدود ۷۰ به ۳۰ می‌رسد،
- در میان داوطلبین، «زنان خانه‌دار» بیشترین مشارکت را داشته و پس از آن صاحبان مشاغل آزاد، کارمندان، فرهنگیان و اعضای هیئت علمی به طور نزولی مشارکت داشته‌اند،
- از نظر مدرک تحصیلی بیشتر داوطلبان دارای مدرک دیپلم هستند،
- نگاه اعضای انجمن نسبت به انتخابات مثبت بوده و برگزاری انتخابات توسط مدیریت مدرسه را بهترین راه انتخاب اعضای انجمن دانسته‌اند. در مجموع، بررسی آمار و ارقام و پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مشارکت در انتخابات انجمن نشانگر آن است که انتخابات انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس یکی از سازوکارهای مشارکتی جدی مردمی محسوب می‌شود که مشارکت بالایی در آن وجود دارد. این مسئله نشانگر نوعی اعتماد نسبی به نهاد مدرسه و سازوکار مشارکتی آن نیز محسوب می‌شود.

۳-۲. فعال‌ترین گروه‌های اجتماعی از میان والدین

پژوهش‌های صورت گرفته و مصاحبه‌های میدانی، حاکی از حضور فعال‌تر زنان در انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس است. همچنین از میان زنان نیز، زنان خانه‌دار نقشی اساسی در انجمن‌های اولیا دارند. براساس پژوهش افقهی (۱۳۸۷)، پس از شغل «خانه‌داری»، مشاغل آزاد جایگاه دوم مشاغل اعضای انجمن را به خود اختصاص داده است. از آنجا که مدارس در ساعات اداری فعال هستند، حضور در انجمن و فعالیت در مدرسه برای والدین، تابعی از انعطاف‌پذیری شغلی و فراغت در ساعات فعالیت مدرسه برای ایشان است. هرچه انعطاف‌پذیری شغلی بیشتر باشد و امکان خالی کردن زمان در ساعات ابتدای روز بیشتر باشد، اولیا نقش مؤثرتری در انجمن دارند. همچنین در زمینه تحصیلات نیز، بیشترین اعضای انجمن دارای مدرک دیپلم هستند. در واقع مدرک تحصیلی بالاتر، لزوماً دلیلی بر حضور در انتخابات و رأی آوردن در آن نیست؛ بلکه امکان فعالیت بیشتر در مدرسه ملاک مهم‌تری در انتخاب اعضاست. ترجیح مدیران و کادر مدرسه نیز بیش از تعیین اعضا براساس مدرک تحصیلی، بر میزان امکان حضور و همکاری در امور جاری مدرسه است.

در زمینه ترکیب جنسیتی و مشاغل اعضای انجمن، به نظر شاهد تمایز الگوی انجمن در برخی مناطق روستایی با مناطق شهری هستیم. در برخی روستاها به دلایل فرهنگی، حضور مردان در انتخابات پررنگ‌تر بوده و ترجیح مردم محلی نیز بر انتخاب مردانی است که در فضای اجتماعی دارای جایگاه باشند (بزرگان محلی، اعضای شورایی روستا، دارندگان مشاغل دولتی).

همچنین فعالیت در انجمن وابسته به میزان انگیزه انجام فعالیت داوطلبانه اجتماعی در افراد نیز است. مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته نشانگر سطح بالایی از روحیه فعالیت اجتماعی داوطلبانه در اعضای انجمن مدارس است که در قالب حضور تمام‌وقت یا بیش از یک روز در هفته در مدرسه، قبول مسئولیت‌های اجرایی، همکاری مداوم با مدیر و معاونین خود را نشان می‌دهد.

توجه به نکات فوق، پرسشی اساسی در زمینه مشارکت خانواده‌ها از طریق انجمن را نشان می‌دهد: آیا مشارکت در انجمن، مشارکتی در تصمیم‌گیری است، یا مشارکتی همیارانه در امور اجرایی مدرسه؟ برای رسیدن به پاسخی تحلیلی در این زمینه باید به شواهد مربوط به عرصه‌های مشارکت اعضای انجمن پرداخت.

۳-۳. عرصه‌های مشارکت انجمن در امور مدرسه‌ای

پس از انجام انتخابات، جلسات انجمن براساس ماده (۶) آیین‌نامه انجمن اولیا و مربیان واحدهای آموزشی (مصوب ۱۳۷۳) حداقل ماهی یک‌بار باید برگزار شده و مصوبات به مرحله اجرا درآید. پیگیری کارشناس انجمن منطقه از مدارس و وجود قالب واحد گزارش‌دهی (کتابچه انجمن مدارس) از جمله مواردی است که در نظم برگزاری جلسات انجمن می‌تواند مؤثر باشد. اما ارتباط مدیر و کادر مدرسه با اعضای انجمن،



معمولاً محدود به جلسات نیست. اعضای فعال تر انجمن معمولاً حضور پررنگی در ایام هفته درون مدرسه دارند و در حوزه‌های اجرایی متنوعی نقش آفرینند. علاوه بر پیگیری اعضای انجمن، رکن اساسی که نوع مشارکت آنان در مدرسه را مشخص می‌کند، مدیران مدارس هستند. در میان مدارس مورد مطالعه طیفی گوناگونی از نحوه ایجاد مشارکت مدیران را می‌توان ترسیم کرد که در یک سر آن مدیرانی قرار دارند که ترجیح به عدم حضور والدین و دخالت آنان در کار مدرسه دارند و در سر دیگر طیف مدیرانی که تمایل به حضور حداکثری اعضای انجمن و همکاری در تمام حوزه‌های کاری و تصمیم‌گیری را از خود نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد توانمندی و تجربه مدیر، یکی از عوامل تعیین‌کننده در نوع برخورد او است؛ مدیرانی که توانمندی و تجربه پایینی در مدیریت مدرسه دارند یا دچار ضعف فرهنگی در کار جمعی هستند، نه تنها ایده، میل و ابتکاری برای ایجاد مشارکت ندارند، بلکه به دلیل ضعف عملکرد مدرسه، تمایلی به دخالت و نظارت اولیا و انجمن از خود نشان نمی‌دهند. این مسئله در مرحله انتخابات، با برگزاری صوری و رد والدین فعال و با انگیزه از دور انتخابات و در مرحله بعد با عدم برگزاری جلسات ماهیانه خود را نشان می‌دهد.

اما سوی دیگر براساس شواهد پژوهشی و مصاحبه با مدیران مدارس و اولیای عضو انجمن، مدیران توانمند و با تجربه که ارزش کار جمعی و مشارکت را نیز می‌دانند، به ویژه در مدارس دولتی که عموماً با کمبود نیرو و منابع و جمعیت بالای دانش‌آموزان مواجه هستند، با ایجاد مشارکت در تصمیم‌گیری و کارهای اجرایی برای والدین، در تلاش برای بهبود عملکرد واقعی مدرسه هستند. چنین مدیرانی ترجیح می‌دهند با عرصه دادن به والدین در تصمیم‌گیری و همچنین نظارت بر کار مدرسه، مشکلات عملی و کمبود منابع و سختی کار مدیریت را در معرض دید نمایندگان والدین قرار داده و با ایجاد اعتماد در ایشان، آنان را واسطه توجیه سایر والدین در زمینه مسائل اجرایی مدرسه و مشارکت بیشتر آنان نماید. در چنین مدارسی شاهد الگوهای گوناگون مشارکت والدین هستیم که عبارتند از: (البته برخی از آنها مورد تأیید اسناد بالادستی و سیاست‌های نظام آموزش و پرورش نیستند):

- مشارکت در تصمیم‌گیری امور جاری مدرسه،
- برگزاری دوره‌های آموزشی خانواده،
- نظارت بر مسائل مالی مدرسه،
- تجهیز ورزشی و بهداشتی و خدماتی مدرسه،
- پیگیری مشکلات فنی مدرسه،
- جذب کمک‌های مردمی،
- جذب منابع برون‌دستگاهی و پیگیری‌های اداری،
- کمک در برنامه‌ریزی و اجرای اردوهای دانش‌آموزی،
- برگزاری برنامه‌های مذهبی و محلی به ابتکار والدین،
- همکاری در امور معاونین انضباطی مدرسه،
- همکاری با معلمین به عنوان دستیار معلم (در دوره ابتدایی)،
- تدریس برخی دروس عمومی در شرایط کمبود کادر آموزشی،
- پیگیری چالش‌های روز و همکاری با مدرسه در بحران‌ها و چالش‌های پیش‌آمده.

اعضای انجمن در چنین مدارسی خود را معتمد مدیر و کادر مدرسه دانسته و در قبال دلسوزی مدیر برای فرزندانشان، در خود نوعی مسئولیت اجتماعی می‌یابند. اصطلاحی که برخی از اعضای انجمن در این زمینه به کار می‌برند «بازوی اجرایی و تصمیم‌گیری مدیر مدرسه» است که نشان از بازویی مردمی و منعطف دارد که استفاده یا عدم استفاده از آن، و میزان رشد و قوتش به دیدگاه مدیر مدرسه و نوع ایجاد مشارکت او بستگی دارد.

در پژوهش حاضر شواهد مشارکتی بیشتری در مدارس دولتی نسبت به سایر مدارس مشاهده شد. در مدارس دولتی که مدیرانی توانمند و با تجربه دارند و با کمبودهای بیشتری نیز مواجه هستند، انجمن به واقع به عنوان یکی از ارکان مدیریت و خدمات‌رسانی مدرسه فعالیت دارد و مدیران این مدارس ادامه برنامه‌های جاری خود بدون حضور فعال اولیا و اعضای انجمن را ناممکن می‌دانند.

۳-۴. چالش‌های موجود در برابر مشارکت از طریق انجمن مدارس

۳-۴-۱. ضعف مدیران مدارس

همچنان که توضیح داده شد، عامل اصلی در برگزاری درست انتخابات و ایجاد مشارکت در انجمن اولیا و مربیان، مدیر مدرسه است. با وجود آنکه در بسیاری از مدارس، مدیران آگاه و توانمند توانسته‌اند الگوهای مبتکرانه‌ای از مشارکت را ایجاد کنند، اما در برخی موارد، مدیر مدرسه اصلی‌ترین عامل عدم مشارکت والدین محسوب می‌شود. در این زمینه دیدگاه مدیر مدرسه به مشارکت و کار جمعی، اطلاعات پیشینی او از مزایای همکاری با والدین، توانمندی او در مدیریت مدرسه و ایجاد امکان نظارت برای والدین از مهم‌ترین مواردی است که تأثیری مستقیم در نقش آفرینی مدیران مدارس در ایجاد مشارکت از طریق انجمن اولیا و مربیان دارد.

۳-۴-۲. عدم تعریف جایگاه رسمی اجرایی

اعضای انجمن براساس شرح وظایف خود در آیین‌نامه اجرایی مدارس، جایگاه رسمی اجرایی در مدرسه همچون کادر آموزشی و اجرایی ندارند. حتی اعضای انجمنی که حضور تمام‌وقت در مدرسه داشته باشند، در نگاه سایر اولیا و معلمان، جایگاه و دامنه اختیارات مشخصی ندارند و این مسئله در برخی موارد به عاملی تعارضی میان اعضای فعال انجمن با سایر والدین تبدیل شده است. فعالیت داوطلبانه اعضای انجمن در مدارس دولتی که با کمبود نیرو مواجه بوده و اولیا پوشش دهنده خلأهای اجرایی و ارائه خدمات اضافه از سوی مدرسه هستند، از سوی آموزش و پرورش نادیده گرفته شده و غیررسمی محسوب می‌شود.

رسمیت بخشی به این فعالیت‌ها لزوماً به معنی تعریف جایگاهی همچون کادر و تعریف حقوق و مزایا نیست، بلکه نفس فعالیت داوطلبانه در مدارس (به‌ویژه از طریق ساز و کار قانونی انجمن‌های اولیا و مربیان) در آیین‌نامه‌های موجود، تعریف درستی نداشته و به جای آنکه محل توجه و تقدیر سایر والدین باشد، تعارض آفرین شده است. این مسئله به آن سبب است که در آیین‌نامه‌های مربوط به انجمن اولیا پس از دهه ۱۳۶۰، مشارکت بیشتر در ساحت تصمیم‌گیری و نظارت، تعریف شده است، در صورتی که نیاز مدارس و عملکرد پیشین انجمن‌های اولیا و مربیان چیزی بیش از ساحت تصمیم‌گیری و نظارت است و دامنه اقدامات و فعالیت‌های اجرایی را نیز دربر می‌گیرد.

۳-۴-۳. بیمه

مسئله پیشین، مشکل دیگری را ایجاد کرده است که به سبب مشارکت داوطلبانه والدین در برخی از امور اجرایی، مدارس با مشکلاتی از سوی بیمه مواجه می‌شوند. این موارد محدود، مناطق و ستاد را بر آن داشته تا برای رفع این مشکلات، مدارس را از هر گونه همکاری اجرایی والدین یا تقدیر از ایشان منع کنند.

در این خصوص باید قانونی به تصویب رساند که فعالیت‌های داوطلبانه والدین، به گونه‌ای تعریف شوند که امکان درخواست بیمه و شکایت بعدی از سوی والدین نسبت به مدرسه ایجاد نشود.

۳-۴-۴. ضعف ستادی

ستاد انجمن اولیا و مربیان که باید دارای کارشناس در مناطق باشد، نقشی اساسی در پشتیبانی و ایجاد انگیزه در انجمن‌های فعال مدارس دارد. با وجود آنکه با شکل‌گیری شوراهای انجمن اولیا و مربیان استان، شهرستان و منطقه، امکان نقش آفرینی اولیای منتخب در سطوح فرامدرسه‌ای نیز فراهم شده است، اما بسیاری از انجمن‌های فعال مدارس از وجود چنین ساز و کاری بی‌اطلاع بوده و فعالیت خود را محدود به مدرسه می‌بینند. توقع والدینی که بدون حقوق و جایگاه رسمی در مدارس به فعالیت می‌پردازند، توجه بیشتر ستاد آموزش و پرورش به فعالیت آنان و ایجاد امکان توسعه این فعالیت‌هاست، اما متأسفانه ضعف شدید ستادی و کمبود بودجه در سال‌های اخیر مانع از این امر شده است.

۳-۴-۵. ساز و کارهای موازی

آخرین موردی که به عنوان چالش بر سر راه نقش آفرینی انجمن‌های اولیای مدارس باید به آن اشاره کرد، ساز و کارهای موازی از جمله هیئت‌انمائی مدارس است. در مدارس هیئت‌انمائی تعریف درستی از تفاوت وظایف و عملکرد هیئت‌انما و انجمن اولیا نشده است. عملاً موازی بودن این دو ساز و کار و عدم آگاهی درست به آیین‌نامه‌ها موجب شده مدیران مدارس نتوانند به درستی جایگاه این نقش را در مدرسه تعریف کرده و از هر دو عامل برای مشارکت والدین استفاده کنند. این مسئله هم انجمن اولیا و هم هیئت‌انما را در چنین مدارسی به رکنی متزلزل تبدیل کرده است. اهتمام تصمیم‌گیرندگان در شرایط فعلی بر توسعه روزافزون مدارس هیئت‌انمائی، بدون توجه به این مسائل، چالشی بر سر راه مشارکت واقعی والدین در مدارس دولتی خواهد بود.



۵-۳. بررسی وضع موجود شوراهای انجمن اولیا و مربیان (استان، شهرستان و منطقه)

سازو کار شوراهای انجمن اولیا و مربیان در سطوح مختلف استان، شهرستان و منطقه، به منظور توسعه مشارکت والدین از سطح مدرسه با سطوح ستادی و تصمیم‌گیری‌های کلان‌تر نظام آموزشی از سال ۱۳۸۶ ایجاد شد. این سازو کار همچنین، پیوستگی فعالیت اولیای منتخب را از مدرسه تا ادارات کل فراهم می‌نماید. تاکنون پژوهش‌های کمی در زمینه اثربخشی این انجمن‌ها و چالش‌های آن صورت گرفته است. یکی از پژوهش‌های قابل توجه در این زمینه، پیمایشی است که رضوی (۱۳۹۱) با استفاده از پرسش‌نامه توسط ۷۵۳ نفر از اعضای شوراهای انجمن و مصاحبه عمیق با ۵۴ نفر از ایشان به انجام رسانده است.

براساس این پژوهش تا سال ۱۳۹۱ شوراهای انجمن استانی ۵۵۴۹ مصوبه داشته‌اند که ۵۵ درصد مصوبات آموزشی بوده، ۲۷ درصد مشارکتی، ۱۱ درصد مالی و ۷ درصد عمرانی؛ ۱۹ درصد مصوبات در موضوع تخصصی «توسعه کلاس‌های آموزش خانواده»، ۱۱ درصد «کمک به دانش‌آموزان بی‌بضاعت» و ۱۰ درصد «بازدید از واحدهای آموزشی و مدارس موفق» بوده است. همچنین در میان استان‌ها از جهت میزان پایبندی به جلسات شورا شاهد تفاوت فاحشی هستیم به گونه‌ای که آذربایجان شرقی با ۱۸۰ جلسه بیشترین و قم با ۱۴ جلسه کمترین میزان جلسات تشکیل شده را داشته‌اند. مصوبات اجرا شده حوزه‌های بسیار گوناگونی را پوشش می‌دهد که نشان از تنوع مشارکت والدین از طریق شوراهای انجمن اولیا و مربیان استانی است:

تخصیص سرانه بیشتر به مدارس با انجمن‌های فعال و برتر، توسعه تجارب موفق و کاربست آن در سایر مدارس، برگزاری برنامه‌های بزرگداشت معلمین، تشویق مدیران فعال در حوزه مشارکت مردمی، بازدید از واحدهای آموزشی موفق، تأسیس و توسعه کتابخانه‌های پیوند ویژه اولیا، تقویت مراکز مشاوره، بهره‌گیری از ظرفیت صدا و سیما استانی در زمینه مشارکت خانواده‌ها، بهینه‌سازی فضاهای آموزشی، برگزاری روز جهانی خانواده، برگزاری طرح‌های مهارتی در مدارس، نظارت و تأمین امنیت مدارس، تأمین امنیت رفت‌وآمد دانش‌آموزان، توسعه کلاس‌های آموزش خانواده، سازماندهی سرویس رفت‌وآمد مدارس، کمک به دانش‌آموزان بی‌بضاعت، کمک به مدارس مناطق محروم، توسعه اشتراک مجلات پیوند و همکاری با سایر نهادها و سازمان‌ها در امور آموزشی و پرورشی.

در این پژوهش تفکیکی میان عملکرد شوراهای مناطق تا استان نشده است. با توجه به آیین‌نامه شوراهای انجمن و تداخل وظایف سطوح مختلف، به نظر می‌رسد در زمینه تعریف درست این سطوح و وظایف آنها نیازمند پژوهش‌هایی گسترده‌تر باشیم. با وجود این، در بین مشارکت‌های مورد بررسی در این پژوهش، تفاوت اصلی قابل اشاره با مشارکت انجمن در مدارس، نقش‌آفرینی جدی مدیر مدرسه در ایجاد مشارکت است، حال آنکه چنین ویژگی در مدیران مناطق و مدیران ادارات کل به چشم نمی‌خورد. رضوی در پایان مطالعه خود و در مقام جمع‌بندی، میزان اثربخشی چنین الگویی‌هایی را در مجموع مورد قضاوت قرار داده و با بیان اینکه همچنان شوراهای انجمن به الگویی نهادمند تبدیل نشده و «تغییری جدی در ترکیب و مدیریت آموزشی ایجاد نمی‌کنند»، حیات این شوراها را در حداقل کارکرد مطلوب خود ارزیابی می‌کند. مهم‌ترین عللی که او برمی‌شمرد، عبارتند از:

- ۱- نداشتن اعتبارات کافی، بودجه و امکانات،
- ۲- نبود قدرت اجرایی و حمایت از شوراهای انجمن،
- ۳- نبود الزام قانونی برای همکاری سایر سازمان‌ها با آموزش و پرورش و شوراها،
- ۴- کمبود نیرو برای اجرای برنامه‌ها،
- ۵- موازی بودن شوراهای انجمن اولیا و مربیان با شوراهای آموزش و پرورش استانی،
- ۶- عدم همکاری جدی اولیا با آموزش و پرورش،
- ۷- پیش‌بینی نشدن دبیرخانه برای پیگیری مصوبات و بررسی پیشنهادها.

تفاوت چشمگیر شوراهای انجمن با انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس را باید در تمایز نوع مشارکت و همچنین تمایز نقش‌آفرینی مدیران سازمانی در ایجاد این مشارکت‌ها تحلیل کرد. انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس، همچون خود مدرسه، طی فرایندی تجربی، به جزئی اساسی از جامعه محلی تبدیل شده و مشارکت خاص خود را حتی فراتر و متفاوت از آیین‌نامه‌های اجرایی ایجاد کرده‌اند. مدرسه با تمام ضعف‌هایی که دارد، کارکرد مهمی را در محله خود برعهده دارد که سوادآموزی کودکان و نوجوانان و تربیت ایشان است؛ مدیران مدارس نیز بر همین اساس و با توجه به رفت‌وآمد مداوم والدین محلی، به‌طور طبیعی نقشی اجتماعی را در محله خود برعهده گرفته‌اند.

اما در سوی مقابل همچنان که ستاد آموزش و پرورش نتوانسته جایگاه درستی در جوامع محلی و منطقه‌ای خود ایجاد کند و هیچ‌گونه ارتباط زنده‌ای بین مدیران و کارشناسان ستادی با مردم محلی وجود ندارد، شوراهای انجمن نیز منفک از حیات اجتماعی محلی و منطقه‌ای، به اجرای آیین‌نامه‌های خود (در حد آگاهی به آیین‌نامه و توان اجرایی اعضا)، اکتفا کرده‌اند. به نظر می‌رسد لازمه ایجاد مشارکت، ارتباط تنگاتنگ با زندگی واقعی اجتماعی در سطح محله و منطقه باشد.

۱-۵-۳. تحلیل مشارکت از طریق شوراهای انجمن

با کوچک‌سازی انجمن مرکزی اولیا و مربیان از سطح سازمان به اداره کلی کوچک در دل سازمان مشارکت‌های مردمی - که در ادامه به تفصیل به آن خواهیم پرداخت - عملاً شوراهای انجمن اولیا و مربیان هم تضعیف شد و دچار کارکردی حاشیبه‌ای در ادارات کل و مناطق شدند. مصاحبه با اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس حاکی از آن است که بسیاری از اعضای انجمن از وجود چنین شوراهایی در مناطق خود بی‌خبر هستند؛ همچنین مصاحبه با کارشناسان انجمن در مناطق و استان‌ها - که وظیفه پیگیری و سازماندهی شوراهای انجمن بر عهده ایشان است - نیز نشانگر آن است که با تضعیف انجمن مرکزی، در سطح ادارات کل و مناطق آموزشی نیز، کارشناسان انجمن اولیا و مربیان از اولین پست‌های سازمانی هستند که با امور کارشناسی دیگر ادغام شدند و یک کارشناس باید چند مسئله متفاوت را در کنار مسائل مربوط به انجمن اولیا و مربیان پیگیری کنند. همین چندگانگی مسئولیت‌ها و افزایش بار کاری کارشناسان انجمن در منطقه و استان باعث شد، پیگیری شوراها نیز با چالش جدی مواجه شود.

آخرین مسئله‌ای که در این امتداد باید اشاره شود، مهیا بودن دو مسیر برای مشارکت والدین در سطح ستادی است: ۱. سازوکار «شوراهای انجمن اولیا و مربیان»؛ ۲. سازوکار «شوراهای آموزش و پرورش استان و شهرستان‌ها».

آنچه انجمن را بر آن داشته تا چنین سازوکار شورایی را ایجاد کند دو علت بوده است: اول سازوکاری که والدین عضو انجمن اولیا و مربیان مدارس را از طریق شوراهای انجمن مناطق و استان، به انجمن اولیا و مربیان مرکزی متصل کرده و خواسته‌های ایشان را به سطح عالی تصمیم‌گیری برساند. مسئله دیگر آن است که والدین به واقع جایگاه ویژه‌ای در «شوراهای آموزش و پرورش استان و شهرستان» دارا نیستند؛ این مسئله البته به ضعف انجمن در سطح ستادی بازمی‌گردد و نه مشکل شوراهای آموزش و پرورش. جایگاهی که برای والدین در قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور، در ترکیب اعضا نظر گرفته شده مربوط به بند «۱۰» ماده (۳) این قانون است [۱۹]:

«سه تا پنج نفر از معتمدان، فرهنگ‌دوستان اولیای دانش‌آموزان یا صاحبان حرف و اصناف شهر، مرکز و استان، بنا به پیشنهاد انجمن اولیا و مربیان استان و تصویب سایر اعضای شورا» بر این اساس قانون شوراهای وجود انجمن را به رسمیت شناخته و تا ۵ نفر از اعضای خود را به پیشنهاد ریاست انجمن اولیا و مربیان در استان اختصاص داده است.

حال با توجه به آنچه گفته شد، این مسئله نیاز به مذاقه جدی دارد که آیا وجود هر دو سازوکار، یعنی شورای آموزش و پرورش و شورای انجمن، در ادارات کل ضروری است و باعث افزایش مشارکت والدین در سطح ستادی می‌شود؟ یا با ایجاد سازوکاری موازی و تشتت شوراها، خللی در فرایند مشارکت والدین ایجاد می‌شود؟

۴. وضع موجود دفتر مرکزی انجمن‌های اولیا و مربیان

۱-۴. تحولات ساختاری از سال ۱۳۹۰

سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان که با مصوبه شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ به‌عنوان ساختاری دولتی جهت افزایش مشارکت مردمی در آموزش و پرورش شکل یافت، از ابتدای انقلاب، طی چنددهه، نقشی مهم در نظام آموزشی کشور ایفا کرده و همواره ریاست این سازمان به‌عنوان قائم‌مقام وزیر و در دست داشتن بخش بزرگی از بدنه مشارکتی خانواده‌ها در کشور، جایگاهی راهبردی را دارا بود. اما این روند از ابتدای دهه ۹۰ دچار تحولاتی اساسی شد. این تحولات به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش و با تصویب‌نامه شورای عالی اداری کشور رقم خورد. براساس مصوبه یکصد و چهل و نهمین جلسه شورای عالی اداری مورخ ۱۳۹۰/۰۱/۲۲:

«انجمن مرکزی اولیا و مربیان» و «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» وابسته به وزارت آموزش و پرورش با کلیه منابع، نیروی انسانی، امکانات، تجهیزات و تعهدات با یکدیگر ادغام و عنوان آن به «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده» تغییر می‌یابد [۲۰].



تا پیش از سال ۱۳۹۰ سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان ایران ۱۱۰ پست سازمانی با سه بخش اصلی را دارا بود: مدیریت آموزش و تحقیقات، مدیریت مشاوره خانواده، اداره کل جذب مشارکت‌های مردمی. اما از سال ۹۰، روند تغییر یافته و در برنامه تعدیل (ساختاری) و کوچک‌سازی دولت، انجمن از جمله بخش‌هایی در وزارتخانه بود که به‌طور جدی نیروهای مردمی را از دست داد. این تحول عبارت بود از ادغام چند سازمان و واحد درون وزارتخانه در سازمانی تازه تأسیس با عنوان «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده». عنوان خانواده در انتهای اسم این سازمان مربوط به انجمن‌های اولیا و مربیان می‌شد. بدون شک این ادغام و تحول اساسی، جایگاه انجمن اولیا را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده و از آن سازمان بزرگ با ۱۱۰ پست سازمانی تنها واحدی کوچک با ۱۸ پست باقی ماند [۲۱]. بنا به مصوبه شورای عالی در سال ۹۰ و با تشکیل سازمان مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی و خانواده، رئیس انجمن که قائم مقام وزیر بود، به مقام مدیر اداره کل تقلیل می‌یابد. متناسب با این تغییر و کوچک‌سازی ساختاری، ظرفیت‌های نهادی انجمن مرکزی به لحاظ منابع انسانی و مالی به شدت کاهش یافته و این انجمن توان و ظرفیت اصلی خود برای پشتیبانی از انجمن‌های مدارس و ارتقا توانمندی‌های خانواده را تا حد زیادی از دست داد. با تغییر دولت در سال ۱۳۹۲ و ورود نگرش جدیدی به وزارت آموزش و پرورش در جهت احیای دوباره انجمن اولیا و مربیان، بار دیگر انجمن از سازمان مشارکت‌ها جدا شد و به‌عنوان اداره کلی زیر نظر وزیر فعالیتش را آغاز کرد و در همین دوره با پیگیری وزیر و ریاست انجمن مرکزی، تلاش برای تبدیل دوباره انجمن به سازمانی مستقل از طریق مصوبه شورای عالی اداری آغاز شد. منطبق بر این زمینه ایجاد سازمانی در قالب «نهاد عمومی غیردولتی» ذیل قانون مدیریت خدمات کشوری بود [۲۲]. این گونه سازمان در عین حاکمیتی بودن و دریافت پشتیبانی‌های دولتی، وجه «مردمی» پررنگ‌تری نسبت به سایر سازمان‌های وابسته به وزارت آموزش و پرورش داشته و امکان نقش‌آفرینی بهتر والدین در تصمیم‌گیری پیرامون نظام آموزشی و همچنین پشتیبانی از انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس را بهتر فراهم می‌کند [۲۳].

با چنین منطقی در یکصد و هفتاد و چهارمین جلسه شورای عالی اداری کشور مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت آموزش و پرورش و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور افزون بر ابطال مصوبه سال ۱۳۹۰، برنامه اصلاح ساختاری انجمن مرکزی اولیا و مربیان به این صورت مصوب شد:

وزارت آموزش و پرورش مکلف است با رویکرد توسعه مشارکت‌های مردمی در اداره امور، طی مدت ۶ ماه، اقدامات لازم برای تشکیل انجمن مرکزی اولیا و مربیان به صورت تشکل غیردولتی را به عمل آورده و با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، نسبت به اصلاح اساسنامه انجمن مذکور، مطابق با رویکرد فوق‌الاشاره اقدام نماید.

هر چند این مصوبه نویدبخش احیای دوباره انجمن و حتی توسعه آتی آن بود، اما با استعفای وزیر مهرماه سال ۱۳۹۵، باعث توقف جریان اجرایی‌سازی آن شد. این توقف نه تنها، مانع اجرای مصوبه شد، بلکه با تغییرات و تحولات درون وزارت آموزش و پرورش و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (تفکیک دوباره سازمان اداری استخدامی از سازمان برنامه و بودجه)، تفسیر نادرستی از این مصوبه شکل گرفت. بحث اصلی در این میان بر سر واژه «تشکل غیردولتی» بود. تفسیر سازمان اداری استخدامی از این واژه، ایجاد سازمانی مردم‌نهاد ذیل مصوبه سال ۱۳۹۵ هیئت‌وزیران با عنوان «آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد» بود. براساس این تفسیر، انجمن اولیا و مربیان هیچ‌گونه شأن حاکمیتی نداشته و باید به‌طور کامل غیردولتی و از منابع غیردولتی اداره شود. از سوی دیگر وزارت آموزش و پرورش هم از این لفظ برداشت درستی نداشته و برای تأمین منابع مالی و پست‌های سازمانی انجمن اولیا و مربیان راهی جز دولتی‌سازی آن پیش روی خود نمی‌دید؛ حال آنکه ایده «نهاد عمومی غیردولتی» در عین غیردولتی بودن، خواسته وزارت از تأمین نیازهای انجمن مرکزی را نیز برآورده می‌کرد.

براساس این تفسیر نادرست از سال ۱۳۹۵ سازمان اداری استخدامی از پذیرش ساختار سازمانی انجمن به‌عنوان ساختاری حاکمیتی و ذیل قانون مدیریت خدمات کشوری امتناع کرده و حتی از پذیرش جایگزینی نیروهای جدید، پس از بازنشستگی نیروهای موجود انجمن مرکزی نیز خودداری کرد. این در حالی است که تفسیر «مؤسسه مردم‌نهاد» از مصوبه سال ۱۳۹۵ شورای عالی اداری، تفسیری مغایر با خود مصوبه است. براساس این مصوبه «وزیر آموزش و پرورش مکلف به ایجاد مؤسسه‌ای غیردولتی» شده است که اگر این مؤسسه غیردولتی را مؤسسه‌ای مردم‌نهاد بدانیم، وزیر آموزش و پرورش نمی‌تواند تکلیفی در زمینه ایجاد آن داشته باشد زیرا براساس ماده (۱) آیین‌نامه «تشکل‌های مردم‌نهاد» مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۲۷ هیئت‌وزیران:

منظور از غیردولتی، عدم وابستگی به دولت و نهادهای حاکمیتی، عدم دخالت دولت و نهادهای حاکمیتی در تأسیس، اداره و استمرار و همچنین عدم فعالیت مقامات و مسئولان و کارکنان دولتی و نهادهای حاکمیتی با استفاده از جایگاه حقوقی خود، به‌عنوان مؤسس یا عضو است.

بنابراین تنها تفسیر از واژه «تشکل غیر دولتی» فقط «نهاد عموم غیر دولتی» می تواند باشد. اما این مسئله هیچ گاه به درستی در میانه وزارت آموزش و پرورش و سازمان اداری استخدامی حل نشد و سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان را تا مرز انحلال پیش برد.

۲-۴. بخش آموزش

نظام آموزش خانواده در انجمن اولیا و مربیان عبارت از دو بخش حضوری و غیر حضوری است. آموزش های حضوری از طریق اساتیدی که مدارس دعوت می کنند صورت گرفته و دوره های غیر حضوری به عنوان مکمل این دوره ها طراحی شده است. این ساز و کار در ادامه با مراکز مشاوره خانواده تکمیل شده و بسته کاملی از دوره های توانمندسازی تربیتی خانواده ها را فراهم می آورد. به واسطه درگیری خانواده های بسیاری با آموزش و پرورش، ساختار انجمن اولیا و مربیان از محدود ساختارهایی است که می تواند آموزش و توانمندسازی خانواده ها را به شکلی فراگیر دنبال کند. بر اساس گزارش ها، آموزش های خانواده که توسط انجمن صورت می گرفته، در دوره اوج خود پیش از کرونا، سالیانه ۲۶۰ هزار دوره با بیش از ۷ میلیون والد شرکت کننده را برگزار می کرده است [۲۴]، اما این ظرفیت پس از کرونا با توجه به محدودیت های برگزاری حضوری و همچنین تضعیف شدید بدنه ستادی، به سمت آموزش های مجازی هدایت شد. همچنین پس از کرونا از ظرفیت شبکه اجتماعی دانش آموزی شاد برای این خواسته استفاده شد.

پس از برطرف شدن بحران کرونا، کلاس های آموزش خانواده به صورت حضوری تشکیل یافته و سامانه ای برای ثبت اطلاعات و آمارهای آموزشی نیز ایجاد شد. اما این فعالیت ها هرگز به دوره اوج خود پیش از کرونا نرسیده و همچنین بافتی شدید مواجهه است. آمار ۷ میلیونی شرکت کنندگان در دوره های آموزشی انجمن در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به ۲.۵ میلیون نفر و تعداد دوره ها نیز از ۲۶۰ هزار دوره حضوری به ۶۰ هزار دوره کاهش یافته است. این آمارها نشانگر تضعیف جدی بدنه پشتیبانی و نیروی انسانی و همچنین منابع مالی بخش آموزشی انجمن اولیا و مربیان مرکزی است.

۳-۴. مراکز مشاوره

یکی دیگر از خدمات تخصصی انجمن های اولیا و مربیان کشور، خدمات مشاوره خانواده از طریق مشاوران آموزش دیده در این حوزه است. مرکز انجمن اولیا و مربیان دارای ۳۶۰ مرکز مشاوره در سطح کشور است که مدرسین آموزش خانواده را برای این کار آماده می کند. مرحله اول فرایند انتخاب مشاورین، آزمونی است که از فرهنگیان متقاضی برای ارائه مشاوره در این مراکز صورت می گیرد. در این مرحله حدود ۱۰۰۰ نفر انتخاب می شوند؛ در مرحله بعد مصاحبه حضوری است که عده ای دیگر هم حذف می شوند. در مرحله پایانی این عده باقی مانده باید دوره تخصصی ببینند. در گذشته انجمن مرکزی این دوره ها را برای ۷۰۰ نفر و در ۶۰ ساعت برگزار می کرده است، اما در ادامه به سبب کاهش توانمندی ها و منابع ستادی این دوره ها به ۲۴ ساعت تقلیل یافت. همچنین در سال ۱۴۰۲ به جهت قطع منابع، برگزاری این دوره سالیانه در هاله ای از ابهام قرار دارد.

طرح دیگری که انجمن در حوزه مشاوره های خانواده در دستور کار خود دارد، توسعه اتاق های گفتگو و مشاوره درون مدارس است. بر اساس این طرح هر مدرسه باید فضایی را برای انجمن در نظر گرفته و همین اتاق علاوه بر حضور اعضای انجمن می تواند بستری برای حضور پررنگ تر سایر والدین و گفتگو و مشاوره ایشان باشد. این طرح در ۲۰ درصد مدارس که امکان تعریف چنین فضایی را داشتند، انجام شده است. اما با توجه به ضعف جدی ستاد مرکزی و پشتیبان، نمی توان توقع توسعه این اتاق ها و ارائه خدمات مشاوره ای جدی را در آنها داشت. با توجه به روند افولی که انجمن مرکزی طی کرده، نه تنها اتاق های گفتگو، بلکه حتی ۳۶۰ مرکز مشاوره تخصصی نیز در معرض تعطیلی و از دست رفتن پشتوانه های فکری، نیروی انسانی و ساختاری شکل گرفته طی چنددهه گذشته قرار دارند [۲۵].

۴-۴. پژوهشکده و نشریات تخصصی

همان گونه که در تاریخچه توضیح داده شد، انجمن ملی اولیا و مربیان که در سال ۱۳۴۶ تأسیس یافت، از همان ابتدا پژوهش در زمینه خانواده و توانمندسازی آن را در دستور کار خود قرار داده و بخش مهمی از مقاله های نشریه مکتب مام نیز به آن اختصاص یافت. پس از انقلاب نیز این بخش به کار خود ادامه داده و با تأسیس پژوهشکده خانواده ذیل سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان، این فعالیت های پژوهشی و تخصصی، توسعه چشمگیری یافت. ماهنامه پیوند و کتاب های تخصصی در زمینه مشاوره و خانواده نیز از مهم ترین میراث های انجمن مرکزی در حوزه



توانمندسازی خانواده به حساب می‌آید. انجمن مرکزی ضمن حمایت از پژوهشگران این حوزه، سالیانه ۱۰ عنوان کتاب جدید در زمینه خانواده و مشاوره را منتشر می‌کرد و علاوه بر آن صاحب امتیاز یکی از پرتیراژترین نشریات کشور بود که بدون شک بدنه ستادی قوی و ارتباط سلسله‌ای آن با خانواده‌ها، عاملی اساسی در گسترش اشتراک آن به شمار می‌رفت.

در سال‌های گذشته به دلیل وحدت رویه در پژوهش‌های مرتبط با آموزش و پرورش و پرهیز از نهادهای موازی در حوزه پژوهش، پژوهشکده خانواده از انجمن اولیا و مربیان جدا و به پژوهشگاه آموزش و پرورش الحاق شد. اما به سبب آنکه تعامل پژوهشکده خانواده با انجمن اولیا و مربیان به حداقل رسید، موضوعات پژوهشی این پژوهشکده ارتباط وثیقی با انجمن‌ها نداشتند؛ نشریه پیوند نیز که به لحاظ تاریخ پیوسته و شمارگان زیاد، از مهم‌ترین نشریات پس از انقلاب به شمار می‌رفت، با تصمیم مسئولان انجمن مرکزی چند شماره از چاپ خارج شد و اکنون نیز با شمارگان پایین در حال انتشار است؛ همچنین در زمینه کتاب‌های تخصصی نیز طی دو سال گذشته، انجمن فعالیت ویژه‌ای نداشته است.

۵-۴. نظارت و پشتیبانی ستادی

اما مورد دیگری که شاید اهمیت آن بیش از سایر بخش‌های ستادی انجمن اولیا و مربیان باشد، اداره کل انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس است که قرار بود نقش پشتیبانی مستقیم از انجمن‌های مدارس را عهده‌دار باشد. این اداره کل در سطح مناطق دارای کارشناسی است که نقش نظارت و پشتیبانی از انجمن‌های مدارس منطقه خود را دارد. انجمن مرکزی با انتشار سالیانه کتابچه‌های ثبت فعالیت‌های انجمن مدارس، ضمن جمع‌آوری این نامه‌ها و ضوابط مورد نیاز انجمن در یک کتابچه، ساختار واحدی را برای ثبت فعالیت‌ها ایجاد کرده بود که در بایگانی مدارس تمام شماره‌های آن ضبط شده و مسئولین انجمن مناطق نیز به راحتی امکان بررسی مصوبات و پیگیری‌های جلسات را داشتند.

با تحولات ستادی صورت گرفته، اداره کل نیز با نزول ساختاری جدی مواجه شده و با یک یا دو کارشناس در سطح ستادی به کار خود ادامه می‌دهد. سمت کارشناس مناطق انجمن نیز از اولین سمت‌هایی محسوب می‌شود که به دلیل کمبود پست ستادی در مناطق، با چند پست کارشناسی دیگر جمع شده و همه این مسئولیت‌ها به یک نفر محول می‌گردد. در چنین شرایطی کارشناسان مناطق نیز ظرفیت چندانی برای نظارت و پشتیبانی از مدارس را نخواهند داشت.

۵. جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی

۵-۱. جمع‌بندی

انجمن اولیا و مربیان که از قدیمی‌ترین سازوکارهای رسمی مشارکت مردمی خانواده‌ها در نظام آموزشی ایران به حساب می‌آید، عملاً مهم‌ترین سازوکاری است که مشارکت خانواده‌ها را در زمینه‌های متنوع (نظارت بر نظام آموزشی، تصمیم‌گیری، همکاری اجرایی، آموزش و توانمندسازی پرورشی خانواده‌ها و ...) فراهم می‌آورد. انجمن‌های اولیا و مربیان به واسطه تحولی که پس از انقلاب اسلامی ایجاد شده و با تحول ساختار درونی نظام آموزشی، ظرفیت ستادی زیادی را برای پشتیبانی از خانواده‌ها در زمینه آموزش و توانمندسازی فراهم آورده است، افزون بر آن نظامی قابل اتکا در ساماندهی فعالیت ایشان در مدارس و همکاری خانواده و کادر مدرسه ایجاد کرده است. این انباشت تجربی، ساختاری و دانشی حاصل چنددهه فعالیت سیاستگذاران، مسئولین نظام آموزشی، مدیران و کادر اجرایی و مهم‌تر از همه تلاش‌های والدین در مدارس سراسر ایران بوده و یکی از دستاوردهای مهم نظام آموزشی پس از انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

هر چند در ادامه، ایده اولیه انجمن که بر اساس ایده «تعاون» بود و مشارکت را در تمامی سطوح (تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا) می‌دید به مرور به سمت مشارکت در ساحت «تصمیم‌گیری» تقلیل داده شد و با چنین رویکردی به تدوین آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌های مرتبط با انجمن اولیا و مربیان و شوراهای آن پرداخته شد.

فهم ایده مشارکت، برای سیاستگذاران از اهمیت بسزایی برخوردار است. سیاستگذاران در اواسط دهه ۸۰ با همان تفکر مشارکت در تصمیم‌گیری، تصمیم به ایجاد «شوراهای انجمن اولیا و مربیان استان، شهرستان و منطقه» گرفته و از این رو این شوراهای هیچ‌گاه موفقیتی را همچون مشارکتی که خانواده‌ها در درون مدارس دارند، رقم نزده است. در ابتدای دهه ۹۰ با رویکرد کوچک‌سازی دولت، از میراث سازمان انجمن اولیا و مربیان ایران غفلت شد و در اواسط دهه ۹۰ با همان ایده مشارکت در تصمیم‌گیری این واحد ستادی به سمت تبدیل شدن به مجموعه‌ای مردم‌نهاد بدون پشتوانه ستادی و منابع مورد نیاز برای نقش‌آفرینی ملی سوق داده شد. این مسئله انجمن مرکزی را تالیه نابودی کامل کشانده و امروز در شرایطی هستیم که انجمن مرکزی نه توانی برای پشتیبانی از مدارس دارد و نه ظرفیتی برای ایفای نقش ملی خود

در زمینه آموزش و مشاوره و توانمندسازی خانواده‌ها در زمینه تربیتی.

با تفسیری نادرست، برخی از سیاستگذاران این حوزه، «دولتی بودن» را در مقابل «مردمی بودن» قرار دادند و برای تحقق اهداف مردمی‌سازی یا مشارکت، همت خود را در جهت غیردولتی‌سازی بخش‌های دولتی همچون سازمان انجمن اولیا و مربیان گذاشتند. این امر خود را در حذف ردیف بودجه‌های انجمن مرکزی اولیا و مربیان از طرف سازمان برنامه و بودجه کشور، حذف ردیف‌های استخدای آن از سوی سازمان اداری و استخدامی و حذف کارشناسان ستادی انجمن در مناطق از سوی وزارت آموزش و پرورش، نشان داده است.

در شرایط کنونی که آموزش و پرورش در ضعف اساسی منابع انسانی و مالی به سر می‌برد، درون مدارس که اصلی‌ترین بخش نظام آموزشی به حساب می‌آید، مدیران مدارس دولتی بخشی از کمبودهای نیرو و منابع انسانی و مالی خود را با مشارکت و همکاری والدینی برطرف می‌کنند که از نظام آموزشی توقع رسمیت‌یابی فعالیت‌های خود را دارند.

با وجود این، مدارس به دلیل قواعد قانونی و ستادی در به کارگیری داوطلبانه والدین در برخی از امور اجرایی با مشکلاتی مواجه هستند. برای نمونه، مدیران مدرسه به جهت گرفتار نشدن در امور بیمه‌ای، حتی اجازه تشویق و اعطای تقدیرنامه به اعضای انجمن را از دست داده‌اند و با حل شدن کارشناسان انجمن در سایر فعالیت‌های ستادی، انجمن اولیای مدارس خود را منفک از کل نظام آموزشی می‌بینند. فهم دغدغه‌های «تعاون در اصلاح امور مدرسه» که در فعالیت‌های داوطلبانه و بدون حقوق و مزایای والدین در مدارس دولتی سراسر کشور قابل مشاهده است، مهم‌ترین امری است که سیاستگذاران نظام آموزشی در حوزه مشارکت باید به آن توجه کنند.

در این پژوهش چالش‌های مختلفی که بر سر راه نقش‌آفرینی انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس، شوراهای انجمن اولیا و مربیان استان، شهرستان و منطقه و همچنین دفتر مرکزی انجمن اولیا و مربیان ایران دارد، به تفکیک مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس پیشنهادهای سیاستی ذیل در جهت بهبود این سازوکار مشارکتی قابل طرح است:

۲-۵. پیشنهادهای سیاستی

■ اصلاح جایگاه اداری و ساختاری دفتر مرکزی انجمن اولیا و مربیان و تبدیل آن به نهاد عمومی غیردولتی با افزودن نام «سازمان انجمن اولیا و مربیان» به قانون «فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» با مصوبه مجلس شورای اسلامی.

■ اصلاح اساسنامه انجمن اولیا و مربیان با توجه به:

○ ماهیت حقوقی این نهاد به عنوان نهاد عمومی غیردولتی،

○ الگوی اداره هیئت‌امنایی و تشکیل هیئت‌امنای به نحوی که نصف به اضافه یک اعضا را اولیای دانش‌آموزان تشکیل دهند.

■ تدوین «برنامه جامع مشارکت خانواده و نهادهای تربیتی و آموزشی» ذیل راهکار ۴-۳ سند تحول بنیادین و تصویب آن در شورای عالی آموزش و پرورش. این برنامه باید آیین‌نامه‌ای در جهت تشریح نقش تعیین شده برای انجمن‌های اولیا و مربیان و دفتر مرکزی آن در الگوی جامع مشارکت خانواده‌ها باشد.

■ اصلاح آیین‌نامه انجمن‌های اولیا و مربیان واحدهای آموزشی مصوب شورای عالی انجمن اولیا و مربیان سال ۱۳۷۲ براساس رویکرد سند تحول بنیادین و آیین‌نامه اجرایی ۱۴۰۰ مدارس به مشارکت خانواده در مدرسه و عملکردهای نظام آموزشی.

■ احیای شورای عالی انجمن اولیا و مربیان و همچنین مجمع یا کنگره سراسری اولیا و مربیان به عنوان دورکن از سه رکن اصلی انجمن اولیا و مربیان. احیای این دورکن امکان تصمیم‌گیری شورایی و مشارکت بیشتر والدین در اداره انجمن اولیا و مربیان و همچنین مطالبه‌گری ایشان از نظام آموزشی در سطح کلان را فراهم خواهد کرد.

■ اجازه قانونگذار به خروج اولیای داوطلب مشارکت در امور اجرایی و آموزشی مدارس، از دایره شمول بیمه و مزایای استخدامی.

■ آموزش مدیران مدارس در زمینه «ایجاد مشارکت از طریق سازوکار انجمن‌های اولیا و مربیان» طی دوره‌های آموزش ضمن خدمت، توسط سازمان انجمن اولیا و مربیان.

■ به منظور ارتقای جایگاه انجمن اولیا و مربیان و افزایش مشارکت اولیا در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری، پیشنهاد می‌شود نمایندگانی از انجمن اولیا و مربیان در شوراهای اصلی سیاستگذاری آموزش و پرورش (شورای عالی آموزش و پرورش، شورای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مرکزی و ...) عضو شوند.

با توجه به پیشنهادهای فوق در ادامه پیش نویس طرح قانونی ارتقا و کارآمدسازی انجمن اولیا و مربیان ارائه می‌شود.



۶. پیش‌نویس طرح «ارتقا و کارآمدسازی انجمن اولیا و مربیان»



۱-۶. مقدمه توجیهی

انجمن اولیا و مربیان بستر گسترده و متنوعی را برای نقش‌آفرینی والدین در تصمیم‌گیری، نظارت و اجرای امور مدرسه‌ای فراهم آورده و به سازوکارهای عمومی مهمی در جهت ارائه مشاوره و آموزش‌های لازم تربیتی برای خانواده‌ها و والدین تبدیل شده است. با وجود کارآمدی‌هایی که انجمن اولیا و مربیان در دوره پس از انقلاب داشته است، طی یک دهه اخیر این انجمن روندی نزولی را در سطح ستادی و مدرسه‌ای طی کرده که ظرفیت‌های پشتیبانی مالی، کارشناسی و محتوایی آن را با افول مواجه کرده است. مشخص نبودن ماهیت حقوقی انجمن اولیا و مربیان، فقدان جایگاه حقوقی اولیا در شوراهای سیاستگذاری آموزشی، نیاز به اصلاح آیین‌نامه‌های انجمن اولیا و مربیان و نامشخص بودن وضعیت اولیای داوطلب مشارکت در امور اجرایی و آموزشی مدارس، مهم‌ترین دلایل افول کارکرد انجمن اولیا و مربیان است. از این رو با تأکید بر شأن حاکمیتی آموزش و پرورش طرح «ارتقا و کارآمدسازی انجمن اولیا و مربیان» ارائه می‌شود:

۲-۶. متن طرح

ماده (۱): سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان به فهرست قانون «فهرست نهادها و مراکز غیردولتی» مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۹ الحاق می‌شود.

ماده (۲): وزارت آموزش و پرورش موظف است ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون، اساسنامه انجمن اولیا و مربیان را براساس ساختار «نهاد عمومی غیردولتی» و الگوی اداره هیئت‌امنایی به نحوی که نصف به‌اضافه یک اعضا را اولیای دانش‌آموزان تشکیل دهند، اصلاح کند و به تصویب هیئت‌وزیران برساند.

تبصره «۱»: اولیای عضو هیئت‌امنای سازمان انجمن اولیا و مربیان، هر دو سال یک‌بار با تشکیل مجمع یا کنگره سراسری اولیا و مربیان انتخاب می‌شوند.

ماده (۳): به‌منظور مشارکت والدین در شورای عالی آموزش و پرورش، یک جزء به ماده (۹) قانون «لایحه قانونی راجع به تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش» مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۲۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل افزوده می‌شود:

■ دو نماینده از انجمن اولیا و مربیان به انتخاب هیئت‌امنای سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان.

ماده (۴): به‌منظور مشارکت والدین در شورای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت مرکزی و شورای نظارت استان، ماده (۴) قانون «تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی»، به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

■ الحاق یک جزء به بند «۱»: د- دو نماینده از انجمن اولیا و مربیان به انتخاب هیئت‌امنای سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان،

■ الحاق یک جزء به بند «۲»: د- یک نماینده از انجمن اولیا و مربیان به انتخاب شورای انجمن اولیا و مربیان استان.

ماده (۵): افرادی که با استفاده از ظرفیت‌های انجمن اولیا و مربیان به‌صورت داوطلبانه در امور اجرایی و آموزشی مدارس مشارکت دارند، مشمول بیمه و مزایای استخدامی نمی‌باشند.

منابع و مآخذ



- [۱] اساسنامه انجمن همکاری خانه و مدرسه، ۱۳۲۶، مصوب جلسه ۶۲۴ شورای عالی فرهنگ.
- [۲] اساسنامه انجمن همکاری خانه و مدرسه، مصوبه بیست و چهارمین شورای عالی فرهنگ. (این سند در نشریه آموزش و پرورش در آذر ۱۳۲۸ به چاپ رسیده و تاریخ آن تصویب آن سال ۱۳۱۶ ثبت شده، اما با توجه به قرائن تاریخی به نظر می‌رسد اولین اساسنامه در سال ۱۳۲۶ به تصویب رسیده باشد).
- [۳] میکائیلی، فرزانه؛ احمدی، جمشید (۱۳۸۰)، «نگاهی به تاریخچه انجمن اولیا و مربیان»، نشریه پیوند، شماره ۲۵۸.
- [۴] رضوی، عبدالحمید، (۱۳۹۱)، «شوراهای انجمن اولیا و مربیان: واکاوی یک تجربه بعد از سه سال، خانواده و پژوهش»، شماره ۱۴.
- [۵] افقهی، جعفر، (۱۳۸۷)، «بررسی چگونگی برگزاری انتخابات انجمن اولیا و مربیان در مدارس شهر تهران و شناسایی نقاط ضعف و قوت آن از دیدگاه اعضای انجمن»، نشریه پیوند، شماره ۳۴۸.
- [۶] اساسنامه انجمن اولیا و مربیان واحدهای آموزشی، ۱۳۶۰، بخشنامه وزارتخانه در تاریخ ۲ شهریور ۱۳۶۰.
- [۷] سلیمی، م، (۱۴۰۲/۰۴/۱۰)، مصاحبه پژوهشی با مدیر برنامه‌ریزی آموزش خانواده انجمن مرکزی اولیا و مربیان.
- [۸] ماده (۱۴) آیین‌نامه اجرایی مدارس، ۱۳۷۹، مصوب ششصد و پنجاه و دومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش.
- [۹] ماده (۱۹) آیین‌نامه اجرایی مدارس، ۱۴۰۰، مصوب چهل و یکمین جلسه کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش.
- [۱۰] آیین‌نامه انجمن اولیا و مربیان واحدهای آموزشی، ۱۳۷۲، مصوب شورای عالی انجمن اولیا و مربیان به تاریخ ۱۳۷۲/۰۳/۲۲.
- [۱۱] قانون تأسیس شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور، ۱۳۷۲، مصوب مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۹.
- [۱۲] آیین‌نامه تشکیل شوراهای انجمن اولیا و مربیان (استان، شهرستان و منطقه)، ۱۳۸۶، مصوب هفتصد و دومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش.
- [۱۳] ابلاغیه آیین‌نامه تشکیل شوراهای انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۹۱، بخشنامه سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی.
- [۱۴] ماده (۴) آیین‌نامه تشکیل شوراهای انجمن اولیا و مربیان (استان، شهرستان و منطقه)، ۱۳۸۶، مصوب هفتصد و دومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش.
- [۱۵] ماده (۳) آیین‌نامه تشکیل شوراهای انجمن اولیا و مربیان (استان، شهرستان و منطقه)، ۱۳۸۶، مصوب هفتصد و دومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش.
- [۱۶] ماده (۸) آیین‌نامه تشکیل شوراهای انجمن اولیا و مربیان (استان، شهرستان و منطقه)، ۱۳۸۶، مصوب هفتصد و دومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش.
- [۱۷] ماده (۳) اساسنامه انجمن مرکزی اولیا و مربیان ایران، ۱۳۶۷، مصوب چهارصد و پنجاه و یکمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۶۷/۳/۱۹.
- [۱۸] آخرین گزارش مربوط به برگزاری کنگره سراسری مربوط به «گزارش عملکرد سال ۷۴ انجمن مرکزی اولیا و مربیان» است و مصاحبه با رؤسای انجمن طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ نیز نشانگر آن است که کنگره سراسری در این دوران برگزار نشده است.
- [۱۹] قانون تأسیس شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور، ۱۳۷۲، مصوب مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۹.
- [۲۰] مصوبه شورای عالی اداری درباره ادغام سازمان انجمن مرکزی اولیا و مربیان ایران و سازمان مشارکت‌های مردمی آموزش و پرورش. مورخ ۱۳۹۰/۰۱/۲۲.
- [۲۱] سلیمی، م، (۱۴۰۲/۰۴/۱۰)، «مصاحبه پژوهشی با مدیر برنامه‌ریزی آموزش خانواده انجمن مرکزی اولیا و مربیان».
- [۲۲] فانی، علی اصغر، (۱۴۰۲ آذر)، «مصاحبه پژوهشی با وزیر اسبق آموزش و پرورش».
- [۲۳] در زمینه تمایز میان مؤسسات دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی، بنگرید به: مواد (۲ و ۳) قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۳۸۶/۰۸/۰۷.
- [۲۴] سلیمی، م، (۱۴۰۲/۰۴/۱۰)، «مصاحبه پژوهشی با مدیر برنامه‌ریزی آموزش خانواده انجمن مرکزی اولیا و مربیان».
- [۲۵] سلیمی، م، (۱۴۰۲/۰۴/۱۰)، «مصاحبه پژوهشی با مدیر برنامه‌ریزی آموزش خانواده انجمن مرکزی اولیا و مربیان».

گزیده سیاستی

انجمن اولیای و مربیان بستر گسترده و متنوعی را برای نقش آفرینی والدین در تصمیم‌گیری، نظارت و اجرای امور مدرسه‌ای فراهم آورده و به سازوکارهای عمومی مهمی جهت ارائه مشاوره و آموزش‌های لازم تربیتی برای خانواده‌ها و والدین تبدیل شده است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir